



دانشگاه صنعتی امیرکبیر

(پلی تکنیک تهران)

دانشکده مهندسی کامپیوتر و فن آوری اطلاعات

پایان نامه کارشناسی

گرایش نرم افزار

عنوان

طراحی و پیاده سازی ابزاری به منظور اعمال خط مشی امنیتی

عدم تداخل مبتنی بر روش بازنویسی برنامه

نگارش

سید محمد مهدی احمدپناه

استاد راهنما

دکتر مهران سلیمان فلاح

شهریور ۱۳۹۴

اینجانب سید محمدمهدی احمدپناه متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب تحت نظارت و راهنمایی اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر بوده و به دستاوردهای دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات و روال متعارف ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم‌سطح یا بالاتر ارائه نگردیده است.

در صورت اثبات تخلف در هر زمان، مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از درجه اعتبار ساقط بوده و دانشگاه حق پیگیری قانونی خواهد داشت.

کلیه نتایج و حقوق حاصل از این پایان نامه متعلق به دانشگاه صنعتی امیرکبیر می‌باشد. هرگونه استفاده از نتایج علمی و عملی، واگذاری اطلاعات به دیگران یا چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه بدون موافقت کتبی دانشگاه صنعتی امیرکبیر ممنوع است. نقل مطالب با ذکر مآخذ بلامانع است.

سید محمدمهدی احمدپناه

امضا

تقدیم به پدرم

کوهی استوار و حامی من در طول تمام زندگی

تقدیم به مادرم

سنگ صبوری که الفبای زندگی به من آموخت

تقدیم به خواهر و برادرم

همراهان همیشگی و پشتوانه های زندگیم

تقدیر و تشکر:

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. سلام و درود بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، بالاتر از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگارم. اما از آنجا که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف آفرینش را تامین می کند، به رسم ادب دست به قلم برده ام، باشد که این خردترین بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

از پدر و مادر مهربانم، این دو معلم بزرگوار که همواره بر کوتاهی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت های گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی یار و یاورم بوده اند؛

از استاد فرزانه و دلسوز، جناب آقای دکتر مهران سلیمان فلاح که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نداشتند؛

از اساتید محترم، جناب آقای دکتر محمدرضا رزازی و جناب آقای دکتر بهمن پوروطن که زحمت داوری این پایان نامه را متقبل شدند؛

از جناب آقای افشین لامعی که از آغاز پروژه در درک بهتر مفاهیم و بخش های مختلف مقاله مرا راهنمایی کردند؛

و در پایان، از حمایت ها و کمک های دوستان عزیزم، آقایان محمد پزشکی، بهنام ستارزاده، علی قنبری، مسعود غفاری نیا، احسان عدالت، حمیدرضا رضانی و پرهام الوانی که در طول انجام پروژه از نظرات و راهنمایی هایشان استفاده کردم؛

کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده

خط مشی امنیتی، تعریفی از امن بودن برای یک سیستم یا برنامه است که اعمال مجاز و یا غیرمجاز در آن سیستم را مشخص می‌کند. خط مشی امنیتی مورد نظر در این پروژه، عدم تداخل است. به زبان ساده این خط مشی بیان می‌کند که یک مشاهده‌گر سطح پایین که فقط به برنامه و مقادیر عمومی زمان اجرا دسترسی دارد، نتواند درکی نسبت به ورودی‌های سطح بالا یا خصوصی پیدا کند. به عبارت دیگر، در هر دو اجرا از برنامه که ورودی‌های عمومی یکسان دارند، باید خروجی‌های عمومی یکی باشند. برخلاف خط مشی‌هایی که اصطلاحاً به آن‌ها خاصیت گفته می‌شود، عدم تداخل به صورت مجموعه‌ای از اجراها قابل بیان نیست؛ بلکه یک فوق خاصیت است و مجموعه‌ای از مجموعه اجراهاست. از این رو، اعمال آن برخلاف اعمال خاصیت‌ها با محدودیت‌ها و دشواری‌هایی مواجه است. در این پروژه، با تقسیم‌بندی این خط مشی به دو حالت غیرحساس و حساس به پیشرفت، سعی در بیان دقیق‌تر و اعمال آن داریم.

هدف از انجام این پروژه، طراحی و پیاده‌سازی ابزاری است که بتواند با استفاده از روش بازنویسی برنامه، خط مشی عدم تداخل را اعمال کند. منظور از اعمال خط مشی آن است که برنامه‌های بازنویسی‌شده، خط مشی را برآورده می‌کنند. در این روش، گراف وابستگی برنامه و کد مبدأ، ورودی‌های الگوریتم بازنویس خواهند بود و نتیجه بازنویسی، تغییر و جایگزینی دستوراتی است که با پیمایش در گراف وابستگی برنامه، تهدیدی برای جریان اطلاعات از سطوح بالا به سطوح پایین امنیت هستند. با بازنویسی برنامه، برخلاف مکانیزم‌های دیگر، جلوی اجرای برنامه مغایر با خط مشی، چه قبل یا چه در زمان اجرا، گرفته نمی‌شود؛ بلکه آن‌ها بازنویسی می‌شوند و از برنامه‌های ناامن به برنامه‌های امن تبدیل می‌شوند. سلامت و شفافیت روش بازنویسی مورد استفاده، که مهم‌ترین عوامل مقایسه روش‌های بازنویسی به شمار می‌روند، اثبات شده است.

در این پروژه، ابتدا با استفاده از lexer و parser، برنامه‌های ورودی از نظر نحوی بررسی می‌شوند و پس از تولید گراف وابستگی برنامه و نمایش گرافیکی آن، الگوریتم‌های بازنویسی اجرا می‌شوند و کد خروجی، هم به زبان مدل WL و هم به زبان C، به کاربر نمایش داده می‌شود. همچنین،

با استفاده از موارد آزمون طراحی شده، بخش پیاده‌سازی این پروژه راستی‌آزمایی می‌شود و نشان داده می‌شود که برنامه‌های بازنویسی شده، خط مشی مورد نظر را برآورده خواهند کرد.

واژه‌های کلیدی:

امنیت جریان اطلاعات؛ خط مشی عدم تداخل؛ گراف وابستگی برنامه؛ بازنویسی برنامه

صفحه

فهرست عناوین

۱	فصل اول مقدمه	۱
۴	فصل دوم خط مشی امنیتی عدم تداخل و اعمال آن	۴
۱۲	فصل سوم توصیف زبان برنامه‌نویسی WL	۱۲
۱۷	فصل چهارم گراف وابستگی برنامه	۱۷
۲۸	فصل پنجم الگوریتم بازنویسی برنامه	۲۸
۳۰	۱.۵ بازنویسی برای حالت غیر حساس به پیشرفت	۳۰
۳۴	۲.۵ بازنویسی برای حالت حساس به پیشرفت	۳۴
۴۰	فصل ششم پیاده‌سازی و ایجاد رابط کاربری	۴۰
۴۱	۱.۶ تحلیل و طراحی نرم‌افزار	۴۱
۴۵	۲.۶ شرح کلی مراحل پیاده‌سازی و ابزارهای مورد استفاده	۴۵
۴۷	6.3 ایجاد رابط کاربری گرافیکی	۴۷
۴۹	۴.۶ راستی‌آزمایی و آزمون	۴۹
۶۰	فصل هفتم جمع‌بندی و کارهای آینده	۶۰
۶۲	منابع و مراجع	۶۲
۶۳	پیوست	۶۳

شکل ۱ - ساختار نحوی زبان برنامه‌نویسی WL	۱۳
شکل ۲ - معناشناخت کوچک‌گامی برای زبان WL [۲]	۱۶
شکل ۳ - نمونه کد مبدأ به زبان WL و گراف وابستگی برنامه مربوط به آن	۲۰
شکل ۴ - نمودار کلی نحوه تولید گراف وابستگی برنامه از روی کد مبدأ برنامه [۲۰]	۲۰
شکل ۵ - نحوه تولید زیرگراف بلوک پایه و اتصال به یکدیگر [۲۰]	۲۱
شکل ۶ - نحوه تولید زیرگراف گزاره‌های شرطی - حالت اول [۲۰]	۲۲
شکل ۷ - نحوه تولید زیرگراف گزاره‌های شرطی - حالت دوم [۲۰]	۲۲
شکل ۸ - نحوه تولید زیرگراف گزاره‌های حلقه while [۲۰]	۲۳
شکل ۹ - محاسبه گره‌های غلبه‌کننده برای هر گره [۲۱]	۲۴
شکل ۱۰ - محاسبه گره‌های پس‌غلبه‌کننده مرزی برای هر گره [۲۱]	۲۶
شکل ۱۱ - الگوریتم کلی بازنویسی برای اعمال خط مشی عدم تداخل [۲]	۲۹
شکل ۱۲ - الگوریتم بازنویسی عدم تداخل حالت غیرحساس به پیشرفت که برنامه M و گراف وابستگی برنامه مربوط به آن G را می‌گیرد [۲]	۳۲
شکل ۱۳ - (الف) نمونه کد به زبان WL؛ (ب) گراف وابستگی برنامه الف؛ (ج) برنامه بازنویسی‌شده برنامه الف در حالت غیرحساس به پیشرفت	۳۳
شکل ۱۴ - (الف) نمونه برنامه به زبان WL؛ (ب) برنامه بازنویسی‌شده الف برای حالت غیرحساس به پیشرفت، که حالت حساس به پیشرفت را برآورده نمی‌کند	۳۴
شکل ۱۵ - برنامه‌ای که حلقه موجود در آن در حالتی که $h1 \geq 11$ or $11 < 0$ باشد، خاتمه خواهد یافت	۳۶
شکل ۱۶ - الگوریتم بازنویسی عدم تداخل حالت حساس به پیشرفت که برنامه M و گراف وابستگی برنامه مربوط به آن G را می‌گیرد [۲]	۳۸
شکل ۱۷ - کد مبدأ بازنویسی‌شده توسط الگوریتم حالت حساس به پیشرفت برای برنامه شکل ۱۵	۳۹
شکل ۱۸ - مدل فرآیندی آبخاری	۴۱
شکل ۱۹ - نمودار مورد کاربرد نرم‌افزار پروژه	۴۲
شکل ۲۰ - نمودارهای فعالیت نرم‌افزار پروژه	۴۳
شکل ۲۱ - نمودار کلاس نرم‌افزار پروژه (بدون ذکر فیلدها و متدها)	۴۴
شکل ۲۲ - نمای کلی رابط کاربری گرافیکی نرم‌افزار	۴۸
شکل ۲۳ - نمونه‌ای از اجرای برنامه در رابط کاربری گرافیکی نرم‌افزار	۴۹
شکل ۲۴ - (الف) برنامه موردآزمون با نام 02basic.wl (ب) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف (پ) برنامه بازنویسی‌شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف	۵۰

- شکل ۲۵- (الف) برنامه موردآزمون با نام 03assign.wl (ب) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف (پ) برنامه بازنویسی شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف..... ۵۰
- شکل ۲۶- (الف) برنامه موردآزمون با نام 05if2.wl (ب) برنامه بازنویسی شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف (پ) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف..... ۵۱
- شکل ۲۷- (الف) برنامه موردآزمون با نام 07ifelseadvanced.wl (ب) برنامه بازنویسی شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف (پ) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف..... ۵۳
- شکل ۲۸- (الف) برنامه موردآزمون با نام 11whilewhileconcat.wl (ب) برنامه بازنویسی شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف (پ) برنامه بازنویسی شده برای حالت حساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف (ت) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف..... ۵۵
- شکل ۲۹- (الف) برنامه موردآزمون با نام 17whilewhilenested.wl (ب) برنامه بازنویسی شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف (پ) برنامه بازنویسی شده برای حالت حساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف (ت) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف..... ۵۷

فصل اول

مقدمه

مقدمه

با گسترش روزافزون سیستم‌های کامپیوتری، امنیت ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. امنیت اطلاعات در جنبه‌های گوناگونی نظیر امنیت شبکه‌های کامپیوتری، امنیت پایگاه داده، امنیت برنامه‌های کاربردی و غیره مورد توجه پژوهشگران این رشته است. در گذشته، مسائل امنیتی بیشتر مورد توجه مراکز نظامی و سیاسی بوده است، اما اکنون برای مردم و کاربران عادی سیستم‌ها نیز حائز اهمیت است.

یکی از زمینه‌های مطرح در امنیت اطلاعات و ارتباطات، امنیت برنامه‌های کاربردی و به پیروی آن، امنیت زبان‌های برنامه‌نویسی یا امنیت زبان مبنا^۱ می‌باشد. امنیت زبان مبنا را می‌توان مجموعه‌ای از تکنیک‌های مبتنی بر نظریه زبان‌های برنامه‌سازی و پیاده‌سازی آن‌ها، شامل معناشناخت^۲، نوع‌ها^۳، بهینه‌سازی و راستی‌آزمایی^۴، برای به کارگیری در مسائل امنیتی تعریف کرد. [۱] تلاش این حوزه بر این است که برنامه‌های کاربردی تولید شده توسط برنامه‌نویسان و توسعه‌دهندگان، با توجه به رویکردهای مختلف امنیتی، قابل اعتماد و اطمینان باشند. به همین دلیل، طراحی و توسعه زبان‌های برنامه‌نویسی امن یا ایجاد ابزارهایی بر روی زبان‌های برنامه‌نویسی موجود باعث می‌شود تا توسعه‌دهندگان نرم‌افزار، کمتر درگیر مشکلات امنیتی برنامه‌های خود شده و به کمک این ابزارها، با تلاش کمتری به تولید برنامه‌های امن بپردازند، که این خود هزینه‌های تولید و توسعه نرم‌افزارها را کاهش می‌دهد.

روش‌های مختلفی برای تولید ابزارهای مرتبط با زبان‌های برنامه‌نویسی با رویکرد برآورده کردن نیازها و خط مشی‌های امنیتی وجود دارد که به طور کلی می‌توان به دو دسته روش‌های تحلیل ایستا^۵ یا زمان کامپایل^۶ و تحلیل پویا^۷ یا زمان اجرا^۸ دسته‌بندی کرد. هر کدام از این روش‌ها نقاط قوت و ضعف

^۱ Language-based Security

^۲ Semantics

^۳ Types

^۴ Verification

^۵ Static Analysis

^۶ Compile Time

مربوط به خود را دارند که بسته به کاربرد، استفاده از هر یک از آن‌ها متفاوت خواهد بود. گرچه شایان ذکر است که تعریف و مشخص کردن دقیق مفهوم امن بودن یک سیستم یا برنامه یکی از چالش‌های پیش روی متخصصان این حوزه می‌باشد. چنان‌که نحوه و رویکرد اعمال آن نیازمندی امنیتی، وابستگی زیادی به تعریف ارائه شده خواهد داشت.

هدف از این پروژه، تولید ابزاری برای تشخیص برقراری خط مشی عدم تداخل در کد مبدأ ورودی است که در صورت نقض این خط مشی، با بهره‌گیری از روش بازنویسی برنامه، کد مبدأ به نحوی اصلاح شود تا این نیازمندی برآورده گردد. در این‌جا، خط مشی امنیتی عدم تداخل^۹ به عنوان نیازمندی امنیتی در نظر گرفته می‌شود و برای اعمال این خط مشی در برنامه‌ها، از یکی از روش‌های تحلیل ایستا؛ یعنی، روش بازنویسی برنامه^{۱۰}، استفاده می‌شود که در فصل‌های بعدی، به شرح و توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

فصل دوم این پایان‌نامه به توضیح خط مشی امنیتی عدم تداخل و تعریف آن پرداخته خواهد شد و در ادامه، مکانیزم‌های اعمال آن و به ویژه، روش بازنویسی برنامه شرح داده خواهد شد. فصل سوم به توصیف زبان مدل مطرح شده تخصیص یافته است. در فصل چهارم، درباره گراف وابستگی برنامه^{۱۱} و کاربرد آن در پروژه بحث خواهد شد. فصل پنجم به توضیح الگوریتم مورد نظر برای بازنویسی کد مبدأ^{۱۲} در دو حالت خط مشی عدم تداخل و فصل ششم به فرآیند پیاده‌سازی و تولید ابزار می‌پردازیم. در نهایت، فصل هفتم دربرگیرنده جمع‌بندی و کارهای پیشنهادی آینده پروژه خواهد بود.

⁷ Dynamic Analysis

⁸ Run-time

⁹ Noninterference

¹⁰ Program Rewriting

¹¹ Program Dependence Graph

¹² Source Code

فصل دوم

خط مشی امنیتی عدم تداخل و اِعمال آن

خط مشی امنیتی عدم تداخل و اعمال آن

به طور کلی، خط مشی^{۱۳} امنیتی، امن بودن یک سیستم یا برنامه را تعریف می‌کند. خط مشی امنیتی، قیود روی توابع و جریان‌های بین آن‌ها را مشخص می‌کند؛ مثل قیود دسترسی بر روی برنامه‌ها و سطوح دسترسی داده‌های بین کاربران که مانع از بروز مشکلات امنیتی از طریق سیستم‌های خارجی و نفوذگران شود.

از دیدگاهی دیگر، یک خط مشی امنیتی را می‌توان به عنوان یک زیرمجموعه از مجموعه توانی همه اجراها تعریف کرد که هر اجرا یک دنباله دلخواه از حالت^{۱۴}‌ها است. ضمناً می‌توان آن را به عنوان مجموعه برنامه‌هایی در نظر گرفت که آن خط مشی را برآورده می‌کنند. بعضی از خط مشی‌های امنیتی، خاصیت^{۱۵} هستند؛ به‌خاطر این‌که قابل دسته‌بندی و تشخیص توسط مجموعه اجراهای جداگانه می‌باشند. از این نوع خط مشی‌ها می‌توان به خط مشی‌های کنترل دسترسی اشاره کرد. [۲] برخی از نیازمندی‌های مهم امنیتی، خاصیت نیستند. یک نمونه مهم از این‌گونه نیازمندی‌ها، خط مشی امنیتی عدم تداخل^{۱۶} است. عدم تداخل گوگن-مسگر [۳]، عدم تداخل تعمیم یافته و قطعیت مبتنی بر مشاهده از مثال‌های خط مشی‌هایی هستند که نمی‌توان آن‌ها را در قالب خاصیت بیان کرد [۲] و به آن‌ها اصطلاحاً فوق خاصیت^{۱۷} گفته می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که روش اعمال خاصیت‌ها با نحوه اعمال خط مشی‌هایی که خاصیت نیستند، متفاوت است.

به زبان ساده‌تر، خط مشی عدم تداخل بیان می‌کند که یک مشاهده‌گر^{۱۸} سطح پایین که فقط به برنامه و مقادیر عمومی زمان اجرا دسترسی دارد، نتواند ورودی‌های سطح بالا یا خصوصی برنامه را بفهمد. به عبارت دیگر، این خط مشی بیان می‌کند که در هر جفت اجراهای برنامه که ورودی‌های

¹³ Policy

¹⁴ State

¹⁵ Property

¹⁶ Noninterference Security Policy

¹⁷ Hyperproperty

¹⁸ Observer

عمومی یکسان دارند، مستقل از ورودی‌های خصوصی متفاوت، باید خروجی‌های عمومی یکی باشند. به طور کلی، طبق این خط مشی، تغییرات ورودی‌های سطح بالا، نباید برای مشاهده‌گر سطح پایین قابل تشخیص و درک باشد.

نکته مهم این است که خط مشی عدم تداخل، یک خاصیت نیست؛ زیرا توسط اجراهای جداگانه که این خط مشی را برآورده می‌کند، قابل تعریف نیست. [۲] این نکته باعث ایجاد محدودیت‌هایی برای اعمال این خط مشی در برنامه‌ها می‌شود.

خط مشی عدم تداخل را می‌توان به دو دسته حساس به پیشرفت^{۱۹} و غیر حساس به پیشرفت^{۲۰} تقسیم کرد. در عدم تداخل غیر حساس به پیشرفت، مشاهده‌گر سطح پایین، تنها می‌تواند خروجی‌های میانی سطح پایین را ببیند؛ در حالی که یک مشاهده‌گر سطح پایین در عدم تداخل حساس به پیشرفت، علاوه بر دسترسی‌های قبلی، به وضعیت پیشرفت^{۲۱} برنامه نیز دسترسی دارد. این باعث می‌شود تا بتواند تفاوت بین واگرایی^{۲۲} برنامه با موقعیتی که برنامه خاتمه^{۲۳} می‌یابد یا در حال محاسبه مقادیر قابل مشاهده بعدی است، را تمیز دهد. [۲]

با تعاریف بالا، سیستم یا برنامه‌ای که خروجی‌های سطح پایین آن از ورودی‌های سطح بالا تاثیر نگیرد، خط مشی عدم تداخل را برآورده می‌کند. حال باید توجه داشت که جریان اطلاعات^{۲۴} از سطح بالا به پایین ممکن است صریح^{۲۵} یا ضمنی^{۲۶} باشد. انتساب^{۲۷} یک مقدار سطح بالا به یک متغیر سطح پایین، نمونه‌ای از جریان اطلاعات صریح است. همچنین، جریان از بالا به پایین در زمانی که مقدار یک متغیر

¹⁹ Progress-Sensitive

²⁰ Progress-Insensitive

²¹ Progress Status

²² Divergence

²³ Terminate

²⁴ Information Flow

²⁵ Explicit

²⁶ Implicit

²⁷ Assign

سطح پایین مشروط به یک مقدار سطح بالا باشد یا صرفاً زمان‌بندی و رفتار خاتمه برنامه، می‌تواند نمونه‌ای از جریان اطلاعات ضمنی باشد.

در این سیستم، توانایی‌های کاربران سطح پایین بیانگر مدل نفوذگر^{۲۸} خواهد بود. با توجه به این توانایی‌ها، روش‌های زیرکانه و مختلفی برای جریان اطلاعات از بالا به پایین وجود خواهد داشت. یک مکانیزم اعمال خط مشی، باید همه انواع مختلف جریان‌های غیرمجاز ناشی از مدل نفوذگر را در نظر بگیرد.

ونگتکریشن و همکاری‌های یک روش تبدیل برنامه‌ی ترکیبی برای اعمال عدم تداخل ارائه داده‌اند. برنامه تغییر داده شده، سطوح امنیتی انتساب^{۲۹} را دنبال می‌کند و زمانی که یک جریان غیرمجاز در حال وقوع باشد، خاتمه می‌یابد. این روش، تنها در فرمول‌بندی‌هایی قابل استفاده است که از عدم تداخل بدون توجه به رفتار خاتمه‌ی برنامه‌ها مطرح می‌شود. [۲]

مگزینیوس و همکاری‌های یک چارچوب برای ناظر^{۳۰}های امنیتی پویای درون برنامه‌ای- در حالی که برنامه در حال اجراست- ساخته‌اند. این روش، عدم تداخل غیر حساس به خاتمه را تضمین می‌کند و قابل به‌کارگیری در زبان‌های پرل^{۳۱} و جاوااسکریپت^{۳۲} است که از ارزیابی پویای کد پشتیبانی می‌کنند. ضمناً این روش نیاز دارد که تغییردهنده‌ی برنامه در زمان اجرا در دسترس باشد که یک ناظر مناسب بتواند در کدی که به صورت پویا تولید می‌شود، ورود کند. [۲]

چادنوف و نومن یک ناظر ترکیبی برای عدم تداخل حساس به جریان در زبان‌های با ارزیابی پویای کد پیشنهاد داده‌اند. این روش ممکن است باعث وجود یک سربار غیرقابل قبول در زمان اجرا

²⁸ Attacker

²⁹ Assignment

³⁰ Monitor

³¹ Perl

³² JavaScript

شود. همچنین این روش، اجازه وقوع مجراهای خاتمه^{۳۳} را نمی‌دهد. سانتوس و رزک نیز این روش را برای یک هسته JavaScript گسترش دادند. [۲]

این موضوع اثبات شده است که هیچ روش کاملاً پویایی برای اعمال عدم تداخل حساس به جریان وجود ندارد. [۴] این موضوع باعث می‌شود که پروژه‌هایی که محدودیت‌های نحوی^{۳۴} بر روی کد دارند، از اطلاعات ایستا در ناظری بر اجراهای چندگانه‌ی برنامه‌ها استفاده کنند.

بلو و بونلی یک ناظرِ اجرایی^{۳۵} پیشنهاد دادند که از یک تحلیل وابستگی زمان اجرا بهره می‌برد. برای یافتن یک جریان غیرمجاز، همان‌طور که در طرح پیشنهادی آن‌ها و کارهای مشابه دیگر آمده است، ممکن است نیاز به چندین اجرا از برنامه مورد نظر داشته باشد که در بسیاری از کاربردها این امکان وجود ندارد. [۲]

لِگوئرَنیک و همکارانش یک ماشین طراحی کرده‌اند که رخدادهای انتزاعی^{۳۶} در زمان اجرا را دریافت می‌کند و اجرا را توسط بعضی از اطلاعات ایستا، ویرایش می‌کند. این روش نیز جالب است اما اجازه وقوع مجراهای خاتمه را می‌دهد. [۲]

همان‌طور که در بالا آمده است، برای اعمال خط مشی عدم تداخل روش‌ها و مکانیزم‌های گوناگونی وجود دارد. اما باید توجه داشت که به طور کلی، مسئله تشخیص برنامه‌هایی که عدم تداخل را برآورده می‌کنند، تصمیم‌ناپذیر^{۳۷} است. پس در حالت کلی، عدم تداخل توسط روش‌های ایستا قابل اعمال نیست؛ به همین دلیل است که نوع‌سامانه^{۳۸}‌های ارائه‌شده برای این مسئله، محافظه‌کارانه^{۳۹} هستند و ممکن است بعضی برنامه‌های امن را نیز نپذیرند. از طرفی، این مسئله هم‌بازگشتی شمارش‌پذیر^{۴۰} نیز

³³ Termination Channels

³⁴ Syntactic

³⁵ Execution Monitor

³⁶ Abstract Events

³⁷ Undecidable

³⁸ Type System

³⁹ Conservative

⁴⁰ Co-recursively Enumerable

نیست. بنابراین، توسط ناظرهای اجرایی که نقض خط مشی عدم تداخل در یک برنامه‌ی در حال اجرا را بررسی می‌کنند، قابل اعمال نیست. [۲]

یکی از روش‌های مورد استفاده برای اعمال خط مشی‌هایی که خاصیت نیستند، روش بازنویسی برنامه می‌باشد. بازنویسی برنامه دربرگیرنده مکانیزم‌هایی است که یک برنامه داده شده را به برنامه‌ای تبدیل می‌کند که ویژگی‌های درخواستی را برآورده می‌کند. این روش ابتدا برای انتقال کد بین پایگاه^{۴۱}‌های سخت‌افزاری، دستگاه‌ها و بهینه‌سازی کارایی استفاده می‌شد. [۲] این روش اخیراً به عنوان وسیله‌ای برای اعمال خط مشی‌های امنیتی پیشنهاد شده است. [۱] از طرفی می‌توان از روش بازنویسی برنامه برای اعمال خاصیت‌های امنیتی گوناگونی استفاده کرد. از طرف دیگر، علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که در این باره صورت گرفته است، جنبه‌های مهمی از سرشت‌نمایی^{۴۲} صوری بازنویسی برنامه کماکان از جمله مباحث باز این حوزه به شمار می‌رود.

در این روش، برخلاف بیشتر مکانیزم‌های امنیتی، یک برنامه مغایر با خط مشی، چه قبل و چه در طول زمان اجرا، رد نمی‌کند؛ بلکه آن‌ها با تغییراتی متناسب با نیاز امنیتی خواسته شده بازنویسی می‌شوند و برنامه‌های ناامن به برنامه‌های امن تبدیل خواهند شد. می‌توان نشان داد که از نظارت اجرایی و تحلیل ایستا قدرت بیشتری دارد. [۲] در واقع، می‌توان روش بازنویسی برنامه را روشی بین روش‌های ایستا و روش‌های پویا دانست.

از طرفی، روش بازنویسی برنامه تغییراتی را به ذات عدم تداخل وارد نمی‌کند؛ بلکه به جای آن، یک برنامه جدید که عدم تداخل را برآورده می‌کند، با حداقل تغییرات ممکن نسبت به برنامه اصلی تولید می‌کند. به این ترتیب، برتری این روش بر مکانیزم‌های ایستا و نظارتی مشخص خواهد شد.

یک بازنویس برنامه باید با توجه به خط مشی امنیتی مورد نظر، سالم^{۴۳} و شفاف^{۴۴} باشد. سالم بودن به این معنا که کد تولید شده توسط آن، خط مشی را برآورده کند و شفاف بودن به معنای این که

⁴¹ Platform

⁴² Characterization

⁴³ Sound

⁴⁴ Transparent

معناشناخت و رفتار مناسب برنامه، فارغ از امن بودن یا نبودن آن، حفظ بماند. به بیان ساده‌تر، شفاف بودن یک بازنویس بدین معناست که تا حد ممکن، مجموعه اجرای ممکن برنامه تبدیل شده، خواه امن یا ناامن، مشابه برنامه‌ی ورودی باشد. البته تا زمانی که سلامت و شفافیت دچار خدشه نشود، بازنویس برنامه می‌تواند هر تغییری را به کد داده شده اعمال کند. لازم بذکر است که این تعاریف را می‌توان به شکل ریاضی نیز بیان کرد. [۲] بدیهی است که یک بازنویس حتماً باید سالم باشد تا نیاز امنیتی مورد نظر را برآورده سازد، اما شفافیت بیشتر آن بازنویس، باعث برتری آن روش بر دیگر بازنویس‌های مشابه خواهد بود.

روش بازنویسی برنامه مورد استفاده در این پروژه، از گراف وابستگی برنامه [۵] استفاده می‌کند که قبلاً اثبات شده است که در تشخیص جریان‌های اطلاعاتی احتمالی، دست‌کم به قدرت نوع سامانه‌های امنیتی است. [۶] برخلاف مکانیزم‌های کنترل جریان اطلاعات مطرح شده در قبل، بازنویس مورد استفاده در این جا، رفتارهای معتبر برنامه‌ها را نگه می‌دارد؛ بدین معنا که آن دسته از اجرای برنامه که به نقض امنیتی منجر نمی‌شود، تغییری نخواهند کرد. این به دلیل رویکرد تعریف و اعمال شفافیت - چالش‌برانگیزترین نیازمندی برای یک مکانیزم اعمال کارا- است. این روش، جریان‌های غیرمجاز صریح و ضمنی کد داده شده را به همان خوبی که در صورت بروز آن‌ها در زمان اجرا بازداشته می‌شود، با اصلاح کد برطرف می‌کند. همچنین، از شرط‌های مسیر^{۴۵} به منظور بهبود تشخیص شروط مورد نیاز برای برقراری جریان غیرمجاز استفاده می‌شود. با این کار، رفتارهای معتبر بیشتری از برنامه داده شده حفظ خواهد شد. شفافیت به گونه‌ای تعریف شده است که مجموعه اجرای ممکن برنامه تبدیل شده، به نزدیکی و شباهت مجموعه اجرای ممکن برنامه ورودی باشد. ضمناً در رابطه با مسئله شفافیت، مفهوم اعمال/اصلاحی^{۴۶} برای خط مشی عدم تداخل مطرح شده، به شکل دقیق و صوری و با بهره‌گیری از رابطه پیش‌ترتیبی^{۴۷} بیان و اثبات شده است. یک بازنویس به شکل اصلاحی یک خط مشی را اعمال می‌کند، اگر رفتارهای معتبر و مناسب برنامه ورودی -مستقل از اینکه برنامه امن است یا خیر- نگاه داشته شود.

⁴⁵ Path Conditions

⁴⁶ Corrective Enforcement

⁴⁷ Preorder

اثبات شده است که روش مورد استفاده در این پروژه سالم است، پس قطعاً برنامه‌های امن را تولید خواهد کرد. [۲]

توضیحات بیشتر و نحوه دقیق الگوریتم بازنویسی برنامه مورد استفاده در این پروژه، در فصل پنجم به تفصیل آمده است.

فصل سوم

توصیف زبان برنامه‌نویسی WL

توصیف زبان برنامه‌نویسی WL

در مقاله اصلی مورد استفاده در این پروژه [۲]، برای تعریف دقیق و صوری خط مشی عدم تداخل و روش اعمال بازنویسی برنامه، زبان مدلی به نام While Language یا به اختصار WL ارائه شده است. در این پروژه، این زبان برنامه‌نویسی طراحی و پیاده‌سازی شده است و برنامه‌های به این زبان، از طریق ابزار پیاده‌سازی شده، به زبان برنامه‌نویسی C قابل تبدیل می‌باشد. برای این کار، از ابزارهای jflex [۷] و bison [۸] استفاده شده که در فصل ششم توضیحات کاملی در این خصوص ارائه می‌گردد.

نکته مهم در خصوص زبان برنامه‌نویسی WL این است که برنامه‌های نوشته‌شده به این زبان، می‌توانند مقادیر را در هر زمان دلخواه در طول زمان اجرا به عنوان خروجی نمایش داده شود. این در حالیست که بیشتر کارهای مرتبط با امنیت جریان اطلاعات، محدودیت نمایش خروجی در حالت نهایی را دارند.

```

program ::= program ; clist
clist ::= c | clist ; c
exp ::= b | n | x | exp == exp | exp < exp | exp <= exp | exp >= exp | exp > exp
| exp + exp | exp - exp | exp or exp | exp and exp | ! exp
c ::= NOP | x = exp | inL varlist | inH varlist | outL x | outH x | outL BOT | outH BOT
| if exp then clist endif | if exp then clist else clist endif | while exp do clist done
varlist ::= x | x , varlist
b ::= true | false | TRUE | FALSE
n ::= integer_number
x ::= identifier

```

شکل ۱ - ساختار نحوی زبان برنامه‌نویسی WL

در شکل ۱، ساختار نحوی تجریدی^{۴۸} زبان WL آمده است. یک عبارت، یا یک عدد صحیح ثابت یا مقدار منطقی بولی^{۴۹}، یا یک متغیر عددی و یا یک عملیات یا ارتباط بین یک یا چند عبارت دیگر خواهد بود. مجموعه دستورات شامل NOP برای دستور هیچ عملیات^{۵۰}، $x = \exp$ برای انتساب، `inL` `varlist`، `outH x` و `outL x` برای ورودی گرفتن و خروجی دادن در نظر گرفته شده است که `L` و `H` به ترتیب به معنای سطح امنیتی پایین^{۵۱} یا بالا^{۵۲} می‌باشد. `clist; c` برای ایجاد دنباله دستورات است که در آن‌ها ممکن است دستورات شرطی یا حلقه باشد. دستور `outL BOT` یا `outH BOT`، یک دستور خروجی منحصر به فردی است که مقدار ثابت `BOT` یا `⊥` را به عنوان خروجی می‌دهد که از همه مقادیر ثابت موجود در زبان متمایز است. همان‌طور که در نام‌گذاری این زبان نیز مشهود است، مهم‌ترین ساختار کنترلی زبان WL، ساختار `while` است که مشابه ساختارهای موجود در زبان‌های برنامه‌نویسی رایج، امکان ایجاد حلقه تکرار را برای برنامه‌نویس فراهم می‌آورد. لازم به یادآوری است که گرامر فوق، با حفظ بخش‌های اصلی زبان، تغییراتی نسبت به ساختار نحوی موجود در مقاله اصلی پروژه [۲] یافته است.

در این زبان، این فرض صورت گرفته است که فقط در ابتدای کد مبدأ برنامه، دستورات گرفتن ورودی‌های مورد نظر نوشته خواهد شد؛ گرچه دستورات خروجی در هر نقطه‌ای از برنامه می‌توانند وجود داشته باشند. یک رد^{۵۳} دنباله‌ای از حالت‌هاست که انتقال به یک حالت ممکن است همراه با وقوع یک رویداد^{۵۴} باشد. به این ترتیب، می‌توان یک اجرای برنامه را توسط دنباله‌ای از رویدادهای تولیدی آن نمایش داد. در این‌جا، رویدادها همان ورودی گرفتن از محیط یا خروجی دادن به آن، برحسب استفاده از دستورات `in` و `out` است. از طرفی می‌توان واگرایی آرام^{۵۵} را نیز در شرایطی که توسط مشاهده‌گر سطح

⁴⁸ Abstract Syntax⁴⁹ Boolean⁵⁰ No Operation⁵¹ Low⁵² High⁵³ Trace⁵⁴ Event⁵⁵ Silent Divergence

پایین قابل مشاهده باشد، به عنوان یک رویداد تلقی کرد. پس می‌توان یک رد را دنباله‌ای از رویدادهای تولید شده توسط دنباله‌ای از حالت‌ها دانست.

برای بیان معناشناخت این زبان برنامه‌نویسی، از مفهوم پیکربندی^{۵۶} استفاده می‌شود و معناشناخت بر اساس آن بیان می‌شود. یک پیکربندی در یکی از دو دسته زیر قرار می‌گیرد:

- پیکربندی پایانی^{۵۷} مانند $(\epsilon, \sigma, \hat{S}, \hat{S})$ که در آن، ϵ به معنای یک رشته خالی، σ بیانگر حالت پیکربندی، \hat{S} نشانه دنباله ورودی‌ها و \hat{S} برای دنباله خروجی‌ها می‌باشد.

- پیکربندی میانی^{۵۸} مانند $(c, \sigma, \hat{S}, \hat{S})$ که در آن، c به معنای یک رشته غیرخالی از نمادهای پایانی است.

مجموعه همه پیکربندی‌ها توسط نماد C نمایش داده می‌شود. به این ترتیب و با توجه به تعاریف بالا، در قاعده‌های معناشناخت رابطه انتقالی کوچک‌گامی^{۵۹} '→' روی C تعریف می‌شود که در آن عبارت‌ها به عبارت‌های ریاضی یا منطق بولی تعبیر می‌شود. حکم^{۶۰} $(c, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (c', \sigma', \hat{S}', \hat{S}')$ به این معناست که اجرای دستور c در حالت σ و با دنباله ورودی‌ها و خروجی‌های \hat{S} و \hat{S}' ، پیکربندی $(c', \sigma', \hat{S}', \hat{S}')$ را نتیجه می‌دهد. البته ممکن است یک انتقال هیچ رویدادی را تولید نکند؛ یعنی $\hat{S}' = \hat{S}$ و $\hat{S}' = \hat{S}$ باشد. در صورتی که یک انتقال باعث تولید یک رویداد شود، $\langle e \rangle$. $\hat{S}' = \hat{S}$ یا $\langle e \rangle$. $\hat{S}' = \hat{S}$ رخ خواهد داد که در آن e بیانگر رویداد ورودی یا خروجی تولید شده توسط انتقال است و ' ' نماد عملگر پیوند است.

فرض کنید X مجموعه همه متغیرها باشد. یک حالت σ یک نگاشت به شکل $\sigma : X \rightarrow N \cup \{\text{null}\}$ تعریف می‌شود که در آن، N مجموعه همه اعداد صحیح و 'null' مقدار متغیرها قبل از انتساب به ورودی‌های گرفته شده از محیط باشد. $\sigma(x)$ مقدار x در حالت σ خواهد بود و

⁵⁶ Configuration

⁵⁷ Terminal Configuration

⁵⁸ Intermediate Configuration

⁵⁹ Small-step Transition Rule

⁶⁰ Judgment

$[x \mapsto v]$ σ حالت حاصل از σ توسط به‌روزرسانی مقدار x به v است. مقدار عبارت exp در σ نیز توسط $\sigma(\text{exp})$ نمایش داده می‌شود. منظور از ' $\Gamma \downarrow v$ ' این است که ورودی بعدی که توسط محیط فراهم خواهد شد v با سطح امنیتی Γ می‌باشد. در شکل ۲، معناساخت کوچک‌گامی زبان WL آمده است که در آن نماد Γ به معنای سطح امنیتی است که در ساختار نحوی ارائه شده در قبل، منظور همان H یا L برای سطح امنیتی بالا یا پایین است. برای اختصار، قواعد مربوط به به‌روزرسانی محیط آورده نشده است.

$$\begin{array}{c}
\frac{}{(\mathbf{Nop}, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (\epsilon, \sigma, \hat{S}, \hat{S})} \text{NOP1} \\
\frac{}{(x = \text{exp}, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (\epsilon, \sigma[x \mapsto \sigma(\text{exp})], \hat{S}, \hat{S})} \text{ASSIGN} \\
\frac{\Gamma \downarrow v}{(in_{\Gamma} x, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (\epsilon, \sigma[x \mapsto v], \hat{S} \cdot \langle \hat{v}_{\Gamma} \rangle, \hat{S})} \text{INPUTVAR} \\
\frac{\Gamma \downarrow v}{((in_{\Gamma} x, \text{varlist}), \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (in_{\Gamma} \text{varlist}, \sigma[x \mapsto v], \hat{S} \cdot \langle \hat{v}_{\Gamma} \rangle, \hat{S})} \text{INPUTVARLIST} \\
\frac{\sigma(x) = v}{(out_{\Gamma} x, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (\epsilon, \sigma, \hat{S}, \hat{S} \cdot \langle \hat{v}_{\Gamma} \rangle)} \text{OUTPUTVAR} \\
\frac{}{(out_{\Gamma} \perp, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (\epsilon, \sigma, \hat{S}, \hat{S} \cdot \langle \hat{\perp}_{\Gamma} \rangle)} \text{OUTPUT}\perp \\
\frac{(c_1, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (c'_1, \sigma', \hat{S}', \hat{S}')}{(c_1; c_2, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (c'_1; c_2, \sigma', \hat{S}', \hat{S}')} \text{SEQ1} \\
\frac{}{(\epsilon; c_2, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (c_2, \sigma, \hat{S}, \hat{S})} \text{SEQ2} \\
\frac{\sigma(\text{exp}) = \text{true}}{(\text{if } \text{exp} \text{ then } c \text{ endif}, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (c, \sigma, \hat{S}, \hat{S})} \text{IF-TRUE} \\
\frac{\sigma(\text{exp}) = \text{false}}{(\text{if } \text{exp} \text{ then } c \text{ endif}, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (\epsilon, \sigma, \hat{S}, \hat{S})} \text{IF-FALSE} \\
\frac{\sigma(\text{exp}) = \text{true}}{(\text{if } \text{exp} \text{ then } c_1 \text{ else } c_2 \text{ endif}, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (c_1, \sigma, \hat{S}, \hat{S})} \text{IF-ELSE-TRUE} \\
\frac{\sigma(\text{exp}) = \text{false}}{(\text{if } \text{exp} \text{ then } c_1 \text{ else } c_2 \text{ endif}, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (c_2, \sigma, \hat{S}, \hat{S})} \text{IF-ELSE-FALSE} \\
\frac{}{(\text{while } \text{exp} \text{ do } c, \sigma, \hat{S}, \hat{S}) \rightarrow (\text{if } \text{exp} \text{ then } (c; \text{while } \text{exp} \text{ do } c) \text{ else } \mathbf{Nop}, \sigma, \hat{S}, \hat{S})} \text{WHILE}
\end{array}$$

شکل ۲ - معناساخت کوچک‌گامی برای زبان WL [۲]

فصل چهارم

گراف وابستگی برنامه

گراف وابستگی برنامه

بازنویس‌های برنامه مورد استفاده در این پروژه، از گراف‌های وابستگی برنامه بهره می‌برند. در این فصل به معرفی گراف وابستگی برنامه، نحوه تولید آن و کاربرد آن در الگوریتم بازنویسی خواهیم پرداخت. برای هر مکانیزم اعمال خط مشی عدم تداخل، به ماشینی برای تشخیص جریان‌های اطلاعات ممکن از ورودی‌های سطح بالا به خروجی‌های سطح پایین نیاز است. گراف‌های وابستگی برنامه یا به اختصار PDG^{61} می‌توانند این امکان را برای ما فراهم کنند. گراف وابستگی برنامه، برنامه را به شکل یک گراف جهت‌دار نمایش می‌دهد که در آن، گره‌ها بیانگر عبارت‌ها یا گزاره‌های برنامه هستند و یال‌ها بیانگر وابستگی‌های کنترلی یا داده‌ای بین گره‌ها می‌باشند. گراف وابستگی برنامه تمامی وابستگی‌های بین گزاره‌های آن برنامه را منعکس می‌کند. این در حالیتیست که عکس این جمله لزوماً برقرار نیست.

پایه اصلی تولید گراف وابستگی برنامه، گراف جریان کنترل CFG^{62} یا به اختصار CFG است. گراف جریان کنترل دنباله اجرای گزاره‌ها را بیان می‌کند. این گراف، یک گراف جهت‌دار است که گره‌ها در آن نمایانگر گزاره‌های برنامه و یال‌ها بیانگر جریان‌های کنترلی بین گره‌ها هستند. در گراف جریان کنترل، دو گره مشخص به نام‌های شروع و پایان در نظر گرفته می‌شود که نقاط ورود و خروج برنامه را تعیین می‌کنند. با به دست آوردن وابستگی‌های کنترلی و داده‌ای، گراف جریان کنترل به گراف وابستگی برنامه تبدیل می‌شود.

در گراف وابستگی برنامه، یک یال وابستگی داده‌ای از گره X به گره Y ، که با $X \xrightarrow{d} Y$ نمایش داده می‌شود، به این معناست که گره Y دارای متغیری است که در گره X انتساب داده شده است. همچنین، یک یال وابستگی کنترلی از X به Y ، که با $X \xrightarrow{c} Y$ نمایش داده می‌شود، به معنای این است که اجرای گزاره Y ، توسط مقدار محاسبه‌شده در گزاره X کنترل می‌شود. ضمناً می‌توان یک مسیر 64 از

⁶¹ Program Dependence Graph

⁶² Statement

⁶³ Control Flow Graph

⁶⁴ Path

X به Y در گراف وابستگی برنامه را به شکل $X \rightsquigarrow Y$ علامت‌گذاری کرد. هر مسیر مشخص‌کننده یک وابستگی کنترلی یا داده‌ای است که بستگی به نوع آخرین یال آن مسیر دارد. در ضمن، مسیر ساخته‌شده به واسطه اضافه کردن یال $X \rightarrow Y$ - که به این معناست که نوع وابستگی آن اهمیتی ندارد - به مسیر $Y \rightsquigarrow Z$ ، به شکل $X \rightarrow Y \rightsquigarrow Z$ نمایش داده می‌شود. مسیری مانند $X \rightsquigarrow Y$ در گراف وابستگی برنامه بیانگر این است که ممکن است جریانی از X به Y وجود داشته باشد.

می‌توان چنین تعریف کرد که اگر مقدار محاسبه‌شده در Y یا صرفاً اجرای Y به مقدار محاسبه‌شده در X بستگی داشته باشد، آنگاه گوییم جریانی از X به Y در گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه M وجود دارد. باید توجه داشت که اگر جریانی از X به Y برقرار باشد، آنگاه یک مسیر از X به Y در گراف وابستگی برنامه وجود خواهد داشت؛ در حالی که برعکس آن لزوماً صحیح نیست.

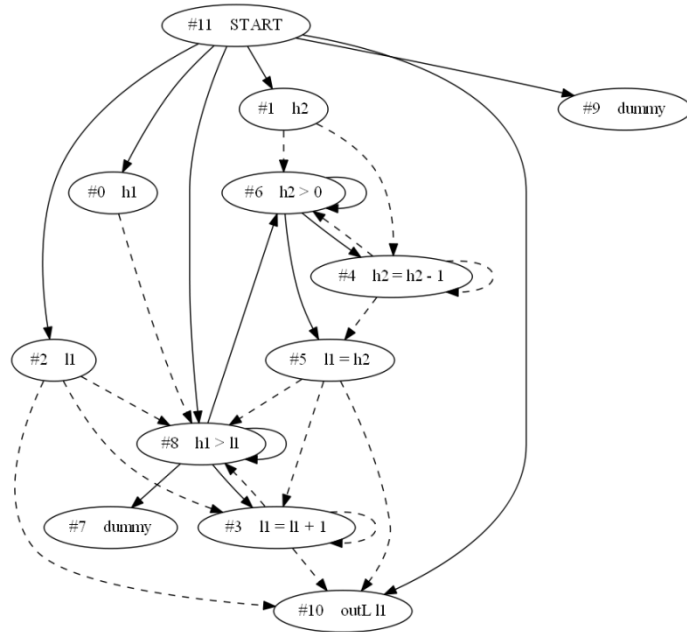
همان‌طور که در قبل مطرح شد، می‌توان جریان از X به Y بر روی مسیر $X \rightsquigarrow Y$ به دو نوع دسته‌بندی کرد: صریح و ضمنی. یک جریان صریح زمانی برقرار است که مقدار محاسبه‌شده در X ، مستقیماً به گره Y منتقل شود. این جریان می‌تواند ناشی از زنجیره انتساب‌های روی آن مسیر باشد. از طرف دیگر، یک جریان ضمنی زمانی برقرار خواهد بود که مقدار محاسبه‌شده در Y ، به اجرا شدن یا نشدن یک گزاره خاص در مسیر $X \rightsquigarrow Y$ وابسته باشد و اجرای آن گزاره، توسط مقدار محاسبه‌شده در X کنترل شود.

پس با تعاریف فوق می‌توان چنین گفت که مسیر $X \rightsquigarrow Y$ روی گراف وابستگی برنامه تعیین‌کننده یک جریان صریح از X به Y است اگر همه یال‌های موجود در مسیر، از نوع وابستگی داده‌ای باشند. در غیر این صورت، آن مسیر به یک جریان ضمنی دلالت خواهد داشت.

```

program;
inH h1, h2;
inL l1;
while h1 > l1 do
    l1 = l1 + 1;
    while h2 > 0 do
        h2 = h2 - 1;
        l1 = h2
    done
done;
outL l1

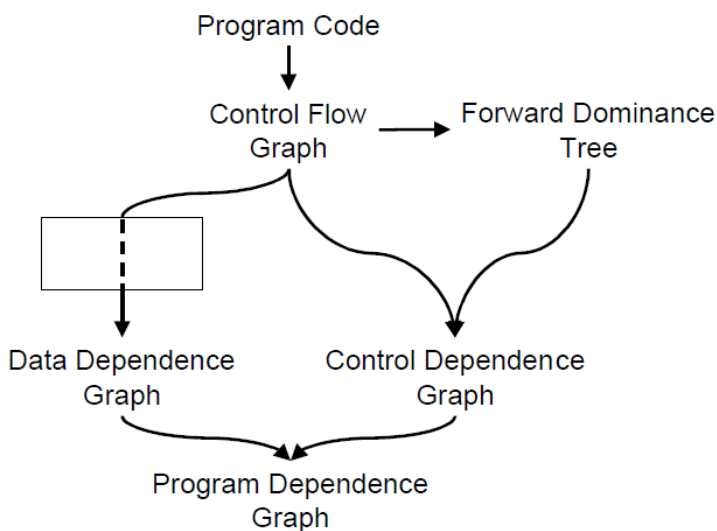
```



شکل ۳ - نمونه کد مبدأ به زبان WL و گراف وابستگی برنامه مربوط به آن

همان طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، یال‌های با خطوط ساده نماد وابستگی‌های کنترلی و یال‌های خط چین نمایانگر وابستگی‌های داده‌ای هستند.

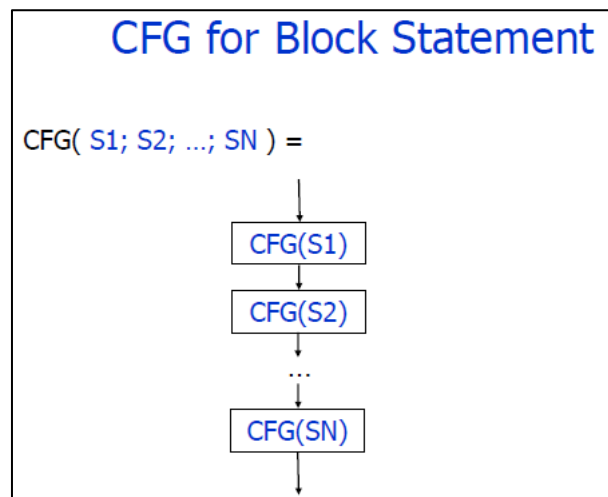
در ادامه این فصل به توضیح نحوه ساختن گراف وابستگی برنامه از روی کد مبدأ برای زبان برنامه‌نویسی WL می‌پردازیم و در فصل بعدی، نحوه استفاده از این گراف در الگوریتم بازنویسی برنامه را به تفصیل شرح خواهیم داد.



برای ساخت گراف وابستگی برنامه، مطابق با شکل ۴، گراف‌های مورد نیاز برای تحلیل ساخته می‌شود.

شکل ۴ - نمودار کلی نحوه تولید گراف وابستگی برنامه از روی کد مبدأ برنامه [۹]

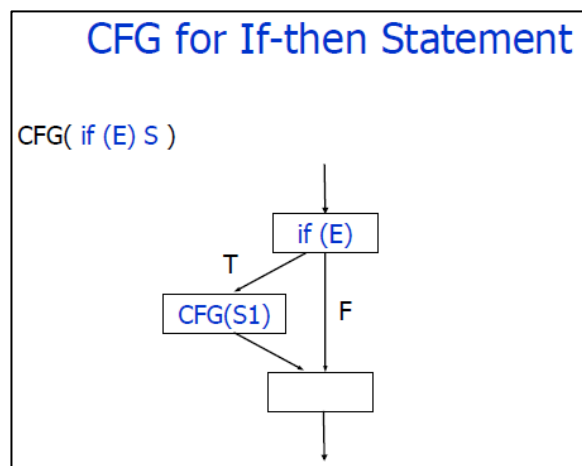
ابتدا از روی کد مبدأ، گراف جریان کنترل یا CFG به دست می‌آید. نحوه تولید این گراف به این نحو است که گزاره‌ها و عبارتهای برنامه، به عنوان یک گره در گراف در نظر گرفته می‌شود. در این گراف، مفهومی به نام بلوک پایه^{۶۵} مطرح می‌شود. هر بلوک پایه، شامل تعدادی گره است که تنها یک گره ورودی و یک گره خروجی در آن وجود دارد. به این منظور، برای گزاره‌های ساده که اجرای آنها مشروط نیست، به صورت دنباله پشت سر همی از گره‌ها در نظر گرفته می‌شود. پس برای این گونه گزاره‌ها و عبارتهای، تنها ساختن یک گره جدید و متصل کردن آنها به گراف کفایت می‌کند. شکل ۵، نحوه تولید زیرگراف بلوک‌های پایه را نمایش می‌دهد. با همین روش، بلوک‌های پایه با یکدیگر ادغام می‌شوند و در نهایت، گراف جریان کنترل نهایی تولید خواهد شد.



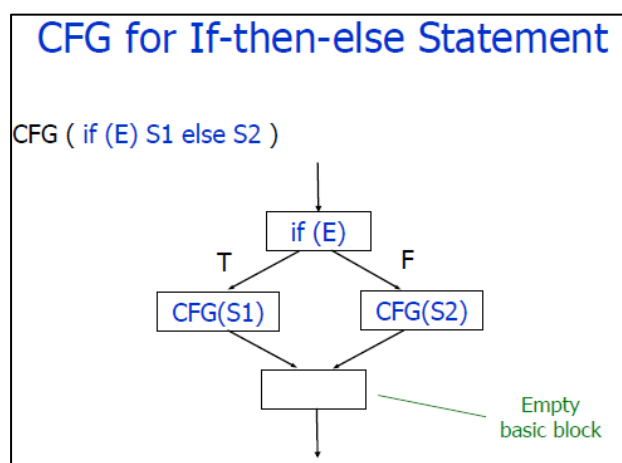
شکل ۵ - نحوه تولید زیرگراف بلوک پایه و اتصال به یکدیگر [۱۰]

⁶⁵ Basic Block

برای گزاره‌های شرطی، دو حالت ممکن زیر وجود دارد:



شکل ۶ - نحوه تولید زیرگراف گزاره‌های شرطی - حالت اول [۱۰]

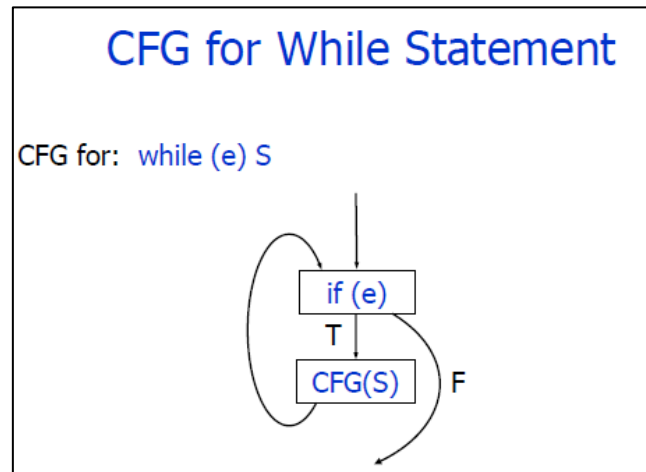


شکل ۷ - نحوه تولید زیرگراف گزاره‌های شرطی - حالت دوم [۱۰]

مطابق با شکل ۶ و شکل ۷، یک گره برای عبارت شرطی تولید می‌شود. گزاره‌های مربوط به برقراری عبارت شرطی در یک بلوک پایه و گزاره‌های متعلق به حالت عدم برقراری شرط، در بلوک پایه دیگری در نظر گرفته می‌شود و این دو بلوک پایه، به گره مربوط به عبارت شرطی متصل خواهند شد.

پس از این کار، برای گره پایانی این بلوک پایه، یک گره مجازی^{۶۶} ایجاد می‌شود. وجود این گره برای این است که این زیرگراف تنها یک مجرای خروجی داشته باشد.

ساختار دیگری که در این زبان وجود دارد، ساختار حلقه یا همان while است. برای تولید زیرگراف جریان کنترل مربوط به این عنصر زبان، مطابق با شکل ۸ عمل می‌شود.



شکل ۸ - نحوه تولید زیرگراف گزاره‌های حلقه while [۱۰]

مشابه قبل، یک گره مجازی به عنوان گره پایانی به زیرگراف اضافه می‌شود.

حال به ازای هر قاعده موجود در زبان، مطابق با توضیحات بالا، زیرگراف‌های کنترل جریان در هنگام تولید درخت تجزیه^{۶۷} ساخته می‌شوند و با اتصال آن‌ها به یکدیگر، گراف کنترل جریان برنامه به دست خواهد آمد.

مطابق با شکل ۴، برای تولید گراف وابستگی کنترل یا به اختصار $CDG^{۶۸}$ ، به درخت غلبه رو به جلو^{۶۹} یا درخت پس‌غلبه^{۷۰} نیاز خواهد بود. برای تولید این درخت، الگوریتم ساخت درخت غلبه^{۷۱} بر روی معکوس گراف جریان کنترل؛ یعنی همان گره‌ها ولی با جهت یال‌های معکوس شده، اعمال می‌گردد.

^{۶۶} Dummy

^{۶۷} Parse Tree

^{۶۸} Control Dependence Graph

^{۶۹} Forward Dominance Tree

^{۷۰} Post Dominance Tree

برای این کار، ابتدا منظور از غلبه کردن دو گره را بیان می‌کنیم. گره M بر گره N غلبه می‌کند، اگر و تنها اگر همه مسیرهای با شروع از گره آغازین تا گره N ، حتماً و الزاماً از گره M بگذرند. همچنین، گره M بر گره N اکیداً غلبه^{۷۲} می‌کند، اگر و تنها اگر بر آن گره غلبه کند و M ، همان گره N نباشد. واضح است که یک گره در گراف جریان کنترل می‌تواند چندین غلبه‌کننده^{۷۳} داشته باشد، اما برای تولید درخت غلبه، نزدیک‌ترین غلبه‌کننده یا غلبه‌کننده بی‌درنگ^{۷۴} اهمیت دارد. با استفاده از شبه‌کد زیر می‌توان غلبه‌کننده‌های یک گره در گراف جریان کنترل را به دست آورد:

```

Compute Dominators(){
    For (each  $n \in \text{NodeSet}$ )
         $\text{Dom}(n) = \text{NodeSet}$ 
     $\text{WorkList} = \{\text{StartNode}\}$ 
    While ( $\text{WorkList} \neq \emptyset$ ) {
        Remove any node  $Y$  from  $\text{WorkList}$ 
         $\text{New} = \{Y\} \cup \bigcap_{X \in \text{Pred}(Y)} \text{Dom}(X)$ 
        If  $\text{New} \neq \text{Dom}(Y)$  {
             $\text{Dom}(Y) = \text{New}$ 
            For (each  $Z \in \text{Succ}(Y)$ )
                 $\text{WorkList} = \text{WorkList} \cup \{Z\}$ 
        }
    }
}

```

شکل ۹ - محاسبه گره‌های غلبه‌کننده برای هر گره [۱۱]

سپس با توجه به مجموعه غلبه‌کنندگان به دست آمده از الگوریتم بالا و مقایسه با مجموعه غلبه‌کنندگان سایر گره‌ها، می‌توان گره غلبه‌کننده بی‌درنگ را یافت و درخت غلبه را تشکیل داد اما در

⁷¹ Dominance Tree

⁷² Strictly Dominate

⁷³ Dominator

⁷⁴ Immediate dominator

این جا، تولید درخت پس غلبه^{۷۵} مورد نظر است. به این صورت که، گره Z ، گره Y را پس غلبه می کند، اگر و تنها اگر همه مسیرهای از Y تا گره پایانی، حتماً و الزاماً از Z عبور کنند. حال، در صورتی که این الگوریتم برای معکوس گراف جریان کنترل اعمال شود، درخت پس غلبه تولید می شود.

سپس برای ساخت گراف جریان کنترل، مرزهای پس غلبه^{۷۶} یا اختصاراً PDF، مورد نیاز است. مرز پس غلبه گره X ، مجموعه گره هایی هستند که توسط X اکیداً پس غلبه نمی شوند اما گره های مابعدی^{۷۷} دارند که توسط X پس غلبه می شوند. تعریف ریاضی این گره ها بدین شرح است:

$PDF(X) = \{y \mid (\exists z \in Succ(y) \text{ such that } x \text{ post-dominates } z) \text{ and } x \text{ does not strictly post-dominate } y\}$

که این مجموعه بیانگر نزدیک ترین نقاط انشعابی^{۷۸} است که به گره X منجر می شوند.

با استفاده از قضیه زیر، می توان وابستگی های کنترلی برنامه را برای هر گره موجود در گراف جریان کنترل، به دست آورد:

قضیه - گره y به مجموعه $PDF(X)$ تعلق دارد، اگر و تنها اگر X به Y وابستگی کنترلی داشته باشد.

حال با استفاده از الگوریتم شکل ۱۰، می توان مجموعه مرزهای پس غلبه هر گره را به دست آورد که بیانگر وابستگی های کنترلی نیز خواهند بود.

⁷⁵ Post-Dominance Tree

⁷⁶ Post-Dominance Frontier

⁷⁷ Successor

⁷⁸ Diverging points

```

For each x in the bottom-up traversal of the postdominator tree do
    PDF(X) =  $\phi$ 
    Step 1: For each y in Predecessor(X) do
        If X is not immediate post-dominator of y then
            PDF(X)  $\leftarrow$  PDF(X)  $\cup$  {y}
    Step 2: For each z that x immediately post-dominates, do
        For each y  $\in$  PDF(Z) do
            If X is not immediate post-dominator of y then

```

شکل ۱۰- محاسبه گره‌های پس‌غلبه‌کننده مرزی برای هر گره [۱۱]

پس از این محاسبات، وابستگی‌های کنترلی برنامه برای هر گره - گزاره یا عبارت برنامه ورودی- به دست آمده است. در نتیجه، تا این مرحله، گراف وابستگی کنترلی برنامه تولید شده است.

اکنون نوبت تولید گراف وابستگی داده‌ای یا به اختصار DDG^{79} است. وابستگی‌های داده‌ای مختلفی وجود دارد اما برای این پروژه، ارتباط بین گره‌هایی که شامل مقداردهی یک متغیر و استفاده از آن متغیر هستند، اهمیت دارد؛ یعنی گره X به گره Y وابستگی داده‌ای دارد، اگر و تنها اگر در گره Y متغیری وجود داشته باشد که در گره X مقداردهی شده باشد. پس با توجه به همین تعریف و مطابق با قواعد زبان، در گره مربوط به هر گزاره، متغیری که به آن مقداری نسبت داده شده یا استفاده شده است، نگهداری می‌شود. حال برای به دست آوردن وابستگی‌های داده‌ای، در صورتی که در یک گره از متغیری استفاده شود که در گره دیگری مقداردهی شده است، یک وابستگی داده‌ای لحاظ می‌شود. برای افزایش دقت و عدم محافظه‌کارانه بودن وابستگی‌ها، تنها نزدیک‌ترین گزاره‌ای که آن متغیر در آن مقداردهی شده است، وابستگی را خواهد داشت، و نه همه گزاره‌هایی که آن متغیر را مقداردهی کردند که این کار با پیمایش گراف جریان کنترل امکان‌پذیر است.

⁷⁹ Data Dependence Graph

پس از این مرحله، گراف وابستگی داده‌ای برنامه نیز آماده است. بدین ترتیب گراف‌های وابستگی کنترلی و داده‌ای از روی کد مبدأ ساخته شده‌اند. با ترکیب این دو گراف که دارای گره‌های یکسان هستند، گراف وابستگی برنامه تولید خواهد شد.

در فصل بعدی، نحوه بازنویسی برنامه‌ها با استفاده از گراف وابستگی برنامه تولید شده تا این مرحله بیان می‌شود.

فصل پنجم

الگوریتم بازنویسی برنامه

الگوریتم بازنویسی برنامه

در این فصل ابتدا الگوریتم کلی مورد استفاده برای اعمال خط مشی عدم تداخل بیان می‌شود. سپس به الگوریتم دقیق مربوط به حالت غیرحساس به پیشرفت یا به اختصار $PINI^{80}$ و حالت حساس به پیشرفت یا $PSNI^{81}$ خواهیم پرداخت.

با داشتن گراف وابستگی برنامه کد مبدأ ورودی، می‌توان وابستگی‌های موجود بین گزاره‌های مختلف برنامه را بررسی کرد. می‌توان تابع متأثر کردن⁸² یا *affect* را تابعی در نظر گرفت که یک عبارت یا گزاره از یک برنامه یا گره مربوط به آن در گراف وابستگی برنامه را به عنوان ورودی می‌گیرد و گزاره‌ها و عباراتی که به گزاره یا عبارت گرفته‌شده وابستگی دارند را به عنوان خروجی برمی‌گرداند. با بیانی دیگر، تابع *affect* بر روی گره داده‌شده X از گراف وابستگی برنامه اجرا می‌شود و همه گره‌های مانند Y را که یک مسیر از X به آن وجود دارد را برمی‌گرداند. الگوریتم کلی بازنویسی برای خط مشی عدم تداخل را می‌توان براساس تابع پیشنهادشده ارائه کرد. تعبیر رویداد قابل‌مشاهده برای کاربر سطح پایین در این پروژه، مطابق با بیان صوری مطرح شده در مقاله اصلی مورد استفاده در پروژه است. [۲]

foreach statement X producing a high input event h_{in} **do**

foreach statement Y producing a low observable event e_L **do**

if $Y \in affect(X)$ **then**

 transform Y into Y' such that $Y' \notin affect(X)$ in the new program

end

end

end

شکل ۱۱ - الگوریتم کلی بازنویسی برای اعمال خط مشی عدم تداخل [۲]

⁸⁰ Progress-Insensitive Non-Interference

⁸¹ Progress-Sensitive Non-Interference

⁸² Affect Function

همان‌طور که بیان شد، یک گراف وابستگی برنامه که یک بیان ایستایی از وابستگی‌های برنامه را نشان می‌دهد، جریان‌های غیرمجاز ممکن را در خود دارد. گرچه ممکن است این جریان‌ها در همه اجراهای برنامه رخ ندهند. بنابراین در الگوریتم شکل ۱۱، باید شرط‌هایی که تعیین‌کننده وقوع جریان غیرمجاز احتمالی هستند را لحاظ کرد.

۱.۵ بازنویسی برای حالت غیر حساس به پیشرفت

ایده اصلی استفاده شده در این بخش، دستورهای $outL$ ی که از ورودی‌های سطح بالا متأثر شده‌اند، با گزاره‌های $outL \perp$ یا NOP جایگزین شوند. چنین تغییراتی که مستقل از اطلاعات زمان‌اجرا هستند، ممکن است بیش از حد مورد نیاز و کمی سخت‌گیرانه باشد. به خاطر دسترسی برنامه‌ها به اطلاعات زمان‌اجرا، می‌توان از این اطلاعات در برنامه بازنویسی‌شده استفاده کرد. به همین منظور، از گونه‌ای از شرط‌های مسیر^{۸۳} استفاده شده است. در مقاله اصلی پروژه، یک شرط مسیر $p(X,Y)$ روی متغیرهای برنامه تعریف می‌شود و همان شرط‌هایی هستند که باعث می‌شوند تا جریان $X \rightsquigarrow Y$ واقعاً رخ بدهد. به این معنا که شرط‌های مسیر باید برقرار باشند تا جریان مربوط به آن مسیر در اجرا نیز اتفاق بیفتد. این تعریف از شرط‌های مسیر می‌تواند نشان دهد که آیا یک مسیر واقعاً در زمان‌اجرا پیمایش می‌شود یا خیر. همین نکته برای تشخیص جریان‌های صریح بسیار مفید خواهد بود. در حالی که برای جریان‌های ضمنی، ممکن است جریان در زمان‌اجرا به وقوع بپیوندد، حتی اگر مسیر مربوط به آن به طور کامل پیمایش نشده باشد. این مورد زمانی اتفاق می‌افتد که یک گره روی مسیر با یال وارد شونده^{۸۴} وابستگی کنترلی، به خاطر مقدار عبارت کنترلی اجرا نشود. پس اجرای همه نودهای روی مسیر تعیین‌کننده یک جریان ضمنی، برای وقوع آن جریان الزامی نیست. به همین ترتیب، جریان مربوط به مسیر $inH h \rightsquigarrow outL l$ روی گراف وابستگی برنامه یک برنامه به زبان WL فقط زمانی رخ می‌دهد که همه گره‌های آن مسیر که یال وارد شونده وابستگی داده‌ای دارند، اجرا شوند. می‌توان چنین گفت که همه گره‌های میانی روی مسیر بیان‌کننده یک جریان صریح، باید در زمان‌اجرا پیمایش شوند. همچنین،

⁸³ Path Conditions

⁸⁴ Incoming Edge

یک گره میانی روی مسیر مشخص‌کننده یک جریان ضمنی، فقط باید زمانی پیمایش شود که یال واردشونده به آن از نوع وابستگی داده‌ای باشد. همان‌طور که در ادامه مطرح خواهد شد، بازنویس‌های استفاده شده در این پروژه، تغییراتی را در برنامه داده شده انجام می‌دهند چنان‌که بررسی می‌شود تا همه گره‌های میانی با یال وارد شونده وابستگی داده‌ای بر روی مسیری که به دستورات $outL$ 1 ختم می‌شوند، در طول برنامه اجرا شوند. اگر مسیر چنین باشد، $outL \perp$ یا NOP به جای آن دستور اجرا خواهد شد، و گرنه خود دستور $outL$ 1 به اجرا در می‌آید.

برنامه‌های نوشته‌شده به زبان WL حاوی شرط‌های مسیر ساده هستند که از شرط‌های اجرای^{۸۵} گره‌ها به دست می‌آیند. به طور کلی، شرط اجرا برای گره X با پیمایش معکوس^{۸۶} از گره X تا گره آغازین از طریق یال‌های وابستگی‌های کنترلی روی مسیر حاصل می‌شود. شرط اجرا یک عبارت منطقی بولی است که برقرار خواهد بود، اگر و تنها اگر گزاره X اجرا شود. به همین شیوه، شرط مسیر $p(X,Y)$ برای $X \rightsquigarrow Y$ ، ترکیب عطفی شرط‌های اجرای گره‌های روی آن مسیر تعریف می‌شود. شرط‌های مسیر را می‌توان بر اساس ترکیب عطفی گره‌های روی مسیر با یک یال وارد شونده وابستگی داده‌ای تعریف کرد. اگر چنین گره‌ای نباشد، شرط مسیر همواره درست محسوب می‌شود.

با توجه به قاعده‌های زبان و استفاده مناسب‌تر از شرط‌های مسیر، در برنامه‌ها تنها انتساب‌های یگانه ایستا^{۸۷} مجاز است. به معنای آن‌که برنامه‌ها حاوی انتساب‌های چندگانه برای یک متغیر نخواهد بود. البته این برنامه‌ها به برنامه‌های صرفاً حاوی انتساب‌های یگانه قابل تبدیل هستند. از طرفی، چنین فرض می‌شود که هیچ وابستگی داده‌ای حلقه نقلی^{۸۸} در مسیرهای از ورودی‌های سطح بالا به خروجی‌های سطح پایین برنامه وجود ندارد.

در الگوریتم شکل ۱۲، بازنویس برای اعمال خط مشی عدم تداخل در حالت غیرحساس به پیشرفت، کد مبدأ برنامه M و گراف وابستگی برنامه G مربوط به آن را به عنوان ورودی می‌گیرد و کد

^{۸۵} Execution Conditions^{۸۶} Backtracking^{۸۷} Static Single Assignment^{۸۸} Loop-carried Data Dependency

مبدأ M' را که عدم تداخل غیرحساس به پیشرفت را برآورده می‌کند، به عنوان خروجی برمی‌گرداند. به بیان دیگر، باید دنباله خروجی‌های برنامه بازنویسی‌شده برای هر دو اجرای دلخواه از آن برنامه که ورودی‌های سطح پایین یکسان دارند، نسبت به حالت غیرحساس به پیشرفت معادل باشند. در ادامه، نمونه‌ای از نحوه عملکرد این الگوریتم را بر روی یک برنامه داده شده به زبان WL در شکل ۱۳ آورده شده است.

$RW_{PINI}(M, G)$:

Initialize F to the set of all paths $Start \hookrightarrow P \rightsquigarrow P'$ in the PDG G of M where P is the node representing a high input and P' is the node representing outL l for some l ;

if $F = \emptyset$ then

 return M ;

end

create a copy of M , name it M' , and change it as follows:

determine the type of flow indicated by each path $f \in F$;

foreach $f \in F$ do:

 Generate the path condition of f as the conjunction of the execution conditions of node N satisfying $f = Start \rightsquigarrow X \xrightarrow{d} N \rightsquigarrow P'$ if there are such nodes on the path and true otherwise;

end

foreach node n on G representing outL l for some l **do**

 let c be the disjunction of the path conditions of all $f' \in F$ which terminate at n ;

if all paths $f' \in F$ terminating at n indicate an explicit flow **then**

 replace outL l with the statement “if c then outL \perp else outL l endif”;

 else

 replace outL l with the statement “if c then NOP else outL l endif”;

 end

end

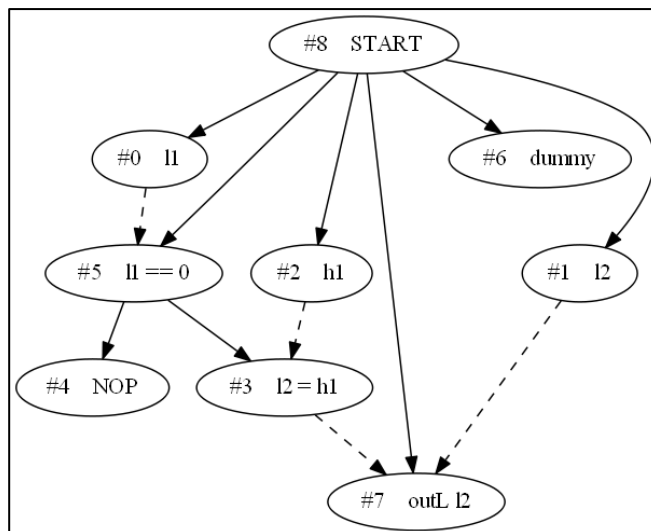
return M' ;

شکل ۱۲ - الگوریتم بازنویسی عدم تداخل حالت غیرحساس به پیشرفت که برنامه M و گراف وابستگی برنامه مربوط به آن G را می‌گیرد [۲]

```

program;
inL l1, l2;
inH h1;
if l1 == 0 then
    l2 = h1
else
    NOP
endif;
outL l2

```



```

program;
inL l1, l2;
inH h1;
if l1 == 0 then
    l2 = h1
else
    NOP
endif ;
if ( (l1 == 0) ) then
    outL BOT
else
    outL l2
endif

```

شکل ۱۳- (الف) نمونه کد به زبان WL؛ (ب) گراف وابستگی برنامه الف؛ (ج) برنامه بازنویسی شده برنامه الف در حالت غیر حساس به پیشرفت

۲.۵ بازنویسی برای حالت حساس به پیشرفت

حالت حساس به پیشرفت نسبت به حالت غیرحساس به پیشرفت محدودیت و قیود بیشتری روی رفتار مشاهده‌گر سطح پایین اعمال می‌کند. می‌توان با بررسی مثالی بیشتر به آن پرداخت. در برنامه شکل ۱۴، الگوریتم بازنویسی برای حالت غیرحساس به پیشرفت دستور outL l1 در خط ششم را با دستور NOP جایگزین می‌کند. گرچه نتیجه بازنویسی حالت غیرحساس به پیشرفت را برآورده می‌کند، اما با توجه به حالت حساس به پیشرفت، یک برنامه ناامن خواهد بود؛ چرا که حلقه while موجود در برنامه ممکن است بسته به مقدار سطح بالای h1، واگرا شود یا نشود. به عبارت دیگر، یک مشاهده‌گر سطح پایین می‌تواند با بررسی روند پیشرفت برنامه، مقدار h1 را استنباط کند.

```
program;
inH h1;
inL l1;
if h1 == l1 then
    while true do
        outL l1
    done
else
    NOP
endif;
outL l1
```

(الف)

```
program;
inH h1;
inL l1;
if h1 == l1 then
    while true do
        if true then
            NOP
        else
            outL l1
        endif
    done
else
    NOP
endif;
outL l1
```

(ب)

شکل ۱۴ - (الف) نمونه برنامه به زبان WL؛ (ب) برنامه بازنویسی شده الف برای حالت غیرحساس به پیشرفت،

که حالت حساس به پیشرفت را برآورده نمی‌کند

بنابراین، برای اعمال حالت حساس به پیشرفت، باید مطمئن شد که نحوه پیشرفت برنامه نیز هیچ اطلاعات سطح بالایی را افشا نمی‌کند. پس برنامه باید با شروع از حالت‌های آغازین معادل از نظر مشاهده‌گر سطح پایین، یا همواره خاتمه یابد یا همواره واگرا باشد. گرچه ابزارها و روش‌هایی برای دسته‌های خاصی از برنامه‌ها وجود دارد که بررسی شود که آیا یک برنامه خاتمه می‌یابد یا خیر، اما این مسئله در حالت کلی تصمیم‌ناپذیر است. شاید به همین خاطر است که راه‌حل‌های ارائه شده برای حالت حساس به پیشرفت، که تعداد کمی هم هستند، بسیار محافظه‌کارانه است و هر برنامه‌ای که یک حلقه وابسته به مقدار سطح بالا باشد، پذیرفته نمی‌شود. منظور از حلقه وابسته به مقدار سطح بالا، یعنی حلقه‌ای که اجرای بدنه آن یا تعداد تکرارهای اجرای آن به یک مقدار سطح بالا وابسته باشد. به عنوان نمونه، مور و همکارانش [۱۲] یک نوع سامانه به همراه یک مکانیزم زمان‌اجرا به نام پیش‌گویی خاتمه^{۸۹} ارائه کرده است تا حلقه‌هایی تشخیص داده شود که وضعیت پیشرفت آن‌ها فقط به مقادیر سطح پایین وابسته است. گرچه چنین مکانیزمی در قیاس با راه‌حل‌های ایستا از دقت بالاتری برخوردار است، اما هزینه سرشار اضافه زمان‌اجرا را در پی خواهد داشت. از طرفی، اگر مکانیزم پیش‌گویی نتواند وضعیت پیشرفت حلقه را پیش‌بینی کند، اجرای برنامه گیر خواهد کرد.

بازنویس مورد استفاده در این پروژه، برنامه‌ها را به نحوی تغییر می‌دهد که وضعیت پیشرفت برنامه بازنویسی‌شده به مقادیر سطح بالا وابستگی نداشته باشد. باید توجه داشت که در برنامه‌ای که ممکن است هنگام اجرا مقادیر سطح بالا از طریق وضعیت پیشرفت برنامه نشت پیدا کنند، به دلیل سلامت الگوریتم بازنویسی، معناساخت برنامه دچار تغییراتی شود. در زبان برنامه‌نویسی WL، عنصر while تنها ساختاری است که می‌تواند باعث واگرایی برنامه‌ها شود. پس به ابزار یا تابعی برای تحلیل حلقه‌های while نیاز خواهد بود. در الگوریتم بازنویسی مورد استفاده چنین فرض می‌شود که یک تحلیل‌گر حلقه^{۹۰} وجود دارد که می‌تواند به طور ایستا با گرفتن کد حلقه، آن را تحلیل و ارزیابی کند. این الگوریتم این تضمین را می‌دهد که برنامه بازنویسی‌شده برای حالت‌های آغازین معادل از نظر مشاهده‌گر سطح پایین، یا همواره خاتمه می‌یابد یا همواره واگرا می‌شود. [۲]

⁸⁹ Termination Oracle

⁹⁰ Loop Analyzer

تحلیل گر حلقه مورد نظر در این الگوریتم چنین در نظر گرفته می‌شود که کد یک حلقه را می‌گیرد و یک عبارت منطقی بولی به عنوان نتیجه تحلیل برمی‌گرداند. این عبارت منطقی برای حالت‌هایی درست خواهد بود که اجرای آن حلقه قطعاً خاتمه می‌یابد. بدین معنا که تابع تحلیل گر حلقه عبارت همواره درست یا True را برمی‌گرداند، اگر حلقه همواره خاتمه می‌یابد و عبارت همواره نادرست یا False را برمی‌گرداند، اگر حلقه در همه حالت‌ها واگرا باشد. این در حالیست که این تابع تحلیل گر، به عنوان مثال، برای حلقه موجود در برنامه شکل ۱۵، عبارت $h1 \geq l1 \text{ or } l1 < 0$ را به عنوان نتیجه تحلیل برمی‌گرداند.

```
program;
inH h1;
inL l1;
while h1 < l1 do
    NOP;
    h1 = h1 - l1
done;
outL l1
```

شکل ۱۵ – برنامه‌ای که حلقه موجود در آن در حالتی که $h1 \geq l1 \text{ or } l1 < 0$ باشد، خاتمه خواهد یافت

الگوریتم بازنویسی مورد استفاده منوط به وجود یک تحلیل گر حلقه قدرتمند است. ابزاری که بتواند بسیاری از حلقه‌ها را با موفقیت تحلیل کند. تولید چنین ابزاری کار دشواری است که در فصل آینده، به نحوه پیاده‌سازی آن خواهیم پرداخت. با این حال و با وجود تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است، باز هم ممکن است حلقه‌هایی در برنامه‌ها وجود داشته باشند که تحلیل گر مورد استفاده، از تحلیل آن‌ها عاجز باشد. در این جا فرض می‌شود که چنین برنامه‌هایی برای ورودی الگوریتم بازنویسی در نظر گرفته نمی‌شود. [۲]

پس با توضیحات فوق، بازنویس مورد استفاده در این پروژه، مسیرهای روی گراف وابستگی برنامه با شروع از متغیرهای سطح بالا تا عبارت شرطی حلقه‌ها^{۹۱} را می‌پیماید و با استفاده از نتیجه تحلیل‌گر حلقه، به بازنویسی کد مبدأ برنامه می‌پردازد. به این صورت که اگر نتیجه تحلیل‌گر حلقه برای یک حلقه داده شده، عبارت همواره درست باشد، حلقه را بدون تغییر رها می‌کند و مشابه این رفتار را برای یک حلقه همواره واگرا نیز خواهد داشت، به شرطی که هیچ مسیر از نوع وابستگی کنترلی از مقادیر سطح بالا به عبارت شرطی حلقه وجود نداشته باشد. در واقع، حلقه‌ای که همواره واگراست، ممکن است باعث افشای اطلاعات سطح بالا شود، اگر آن حلقه توسط یک عبارت کنترل شود که به ورودی‌های سطح بالا وابسته است. اگر چنین باشد، آن حلقه با یک ساختار if-then با همان عبارت شرطی حلقه و همان بدنه حلقه جایگزین می‌شود. در شرایطی که تحلیل‌گر حلقه عبارتی غیر از همواره درست یا همواره نادرست را برگرداند، بازنویس اجرای آن حلقه را به همان عبارت برگردانده شده مشروط می‌کند. پس به این ترتیب، کد برنامه جدید قطعاً خاتمه می‌یابد.

الگوریتم بازنویسی مطرح‌شده در شکل ۱۶، کد مبدأ برنامه M و گراف وابستگی برنامه متناظر آن را می‌گیرد و کد M' بازنویسی‌شده را برمی‌گرداند که خط مشی عدم تداخل را در حالت حساس به پیشرفت برآورده می‌کند. منظور از تابع LoopAnalyzer همان ابزاری است که در بالا توضیح داده شده بود و تحلیل حلقه‌ها را برعهده داشت. این بازنویس، ابتدا بازنویس مربوط به حالت غیرحساس به پیشرفت را فراخوانی می‌کند. نتیجه این کار، برنامه‌ای خواهد بود که اگر M حلقه‌های وابسته به مقادیر سطح بالا نداشته باشد، در حالت حساس به پیشرفت نیز پذیرفته می‌شود. در غیر این صورت، حلقه‌هایی که در مسیرهای به شکل $Start \hookrightarrow h \hookrightarrow E^+$ هستند، که در آن h یک ورودی سطح بالا و E^+ یک مسیر منتهی به یک عبارت شرطی حلقه است، ممکن است بازنویسی شوند. البته ممکن است این‌گونه مسیرها حاوی گره‌های میانی باشند که خود بیانگر عبارت شرطی حلقه‌های دیگری هستند. توابع $guard(n)$ ، $body(n)$ و $loop(n)$ به ترتیب مقدار عبارت شرطی حلقه، بدنه حلقه و کل حلقه موجود در M' متناظر با گره n در گراف وابستگی برنامه را برمی‌گرداند.

^{۹۱}Loop Guards

```

RWPSNI(M, G):
Initialize  $D$  to the set of all paths  $Start \hookrightarrow P \hookrightarrow E^+$  in  $G$  where  $E^+$  is a path
terminating at a loop guard and  $P$  is the node representing a high input;
 $M' = RW_{PIN}(M, G)$ ;
if  $D = \emptyset$  then
    return  $M'$ ;
end
 $H = \max \{ height(n) \mid n \text{ is a node on } G \}$ , where  $height$  is a function that returns the
height of a given node on the tree obtained by removing data dependence edges from
 $G$ ;
Change  $M'$  as follows:
for  $h = H$  to 1 do
    foreach node  $n$  with  $height(n) = h$  representing a loop on some path  $f \in D$  do
         $r = \text{LoopAnalyzer}(\text{loop}(n))$ ;
        if  $r = \text{False}$  then
            if  $X \xrightarrow{c} n$  appears on at least one path  $f \in D$  do
                replace  $\text{loop}(n)$  with the statement “if  $\text{guard}(n)$  then  $\text{body}(n)$ 
endif”;
            end
        else
            if  $r \neq \text{True}$  then
                replace  $\text{loop}(n)$  with the statement “if  $r$  then  $\text{loop}(n)$  endif”;
            end
        end
    end
end
 $h = h - 1$ ;
end
return  $M'$ ;

```

شکل ۱۶ - الگوریتم بازنویسی عدم تداخل حالت حساس به پیشرفت که برنامه M و گراف وابستگی برنامه مربوط به آن G را

می‌گیرد [۲]

صفحه ۳۸ از ۵۳

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بازنویس مطرح شده برای حالت حساس به پیشرفت ممکن است یک حلقه وابسته به مقادیر سطح بالا را به یک گزاره شرطی با همان بدنه حلقه جایگزین کند که این باعث می‌شود تا بدنه حلقه تنها یک بار در برنامه بازنویسی شده اجرا شود. گرچه راهبردهای دیگری مثل تغییر عبارت شرطی حلقه برای این که فقط به مقدار متناهی حلقه اجرا شود نیز وجود دارد. البته باید آن راهبردها را از نظر شفافیت با روش مورد استفاده در این جا بررسی کرد. ضمناً باید در نظر داشت که ابتدا حلقه‌های تودرتو^{۹۲} و سپس حلقه بیرونی تحلیل می‌شوند. زیرا تاثیر رفتار نسخه بعد از بازنویسی آن‌ها ممکن است با نسخه قبل از بازنویسی متفاوت باشد. به همین منظور، الگوریتم مطرح شده ارتفاع گره‌های بیانگر حلقه در درختی که با حذف یال‌های وابستگی داده‌ای از گراف وابستگی برنامه به دست آمده است را ملاک عمل قرار می‌دهد. در شکل ۱۷، نمونه کد برنامه تبدیل شده توسط این الگوریتم برای کد مبدأ برنامه شکل ۱۵ را مشاهده می‌شود.

برای اثبات سلامت و شفافیت الگوریتم‌های استفاده شده در این پروژه، می‌توانید به مقاله اصلی پروژه [۲] بخش ششم مراجعه کنید.

```
program;
inH h1;
inL l1;
    if l1 <= h1 or l1 < 0 then
        while h1 < l1 do
            NOP;
            h1 = h1 - l1
        done
    endif;
outL l1
```

شکل ۱۷ - کد مبدأ بازنویسی شده توسط الگوریتم حالت حساس به پیشرفت برای برنامه شکل ۱۵

^{۹۲} Nested Loops

فصل ششم

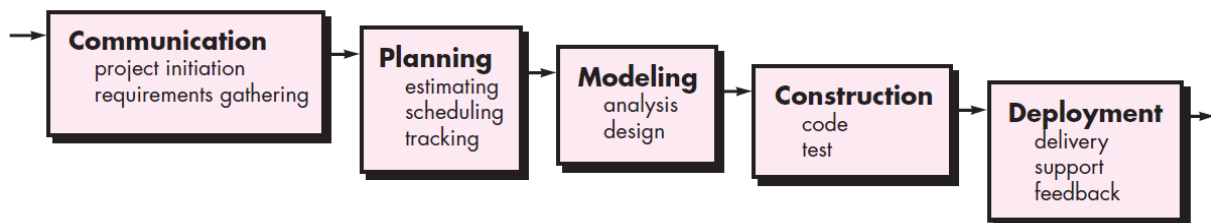
پیاده‌سازی و ایجاد رابط کاربری

پیاده‌سازی و ایجاد رابط کاربری

۱.۶ تحلیل و طراحی نرم‌افزار

با توجه به مشخص و ثابت بودن نیازهای این نرم‌افزار در همان ابتدای تعریف پروژه، می‌توان از مدل فرآیندی آبشاری^{۹۳} یا چرخه حیات کلاسیک^{۹۴} استفاده کرد. همچنین، روش تحلیل و طراحی این نرم‌افزار با رویکرد شی‌گرایی^{۹۵} انجام شده است.

این مدل فرآیندی شامل پنج مرحله ارتباط^{۹۶}، برنامه‌ریزی^{۹۷}، مدل‌سازی^{۹۸}، ساخت^{۹۹} و استقرار^{۱۰۰} است.



شکل ۱۸ - مدل فرآیندی آبشاری

این مدل فرآیندی زمانی به کار بسته می‌شود که نیازمندی‌های پروژه کاملاً خوش‌تعریف و پایدار باشند. مدل فرآیندی آبشاری یک روش ترتیبی و روش‌مند برای توسعه نرم‌افزار محسوب می‌شود که با مشخص کردن نیازمندی‌ها آغاز می‌شود و با گذر از مراحل برنامه‌ریزی، مدل‌سازی، ساخت و استقرار به

^{۹۳} Waterfall Process Model

^{۹۴} Classic Life Cycle

^{۹۵} Object-Oriented

^{۹۶} Communication

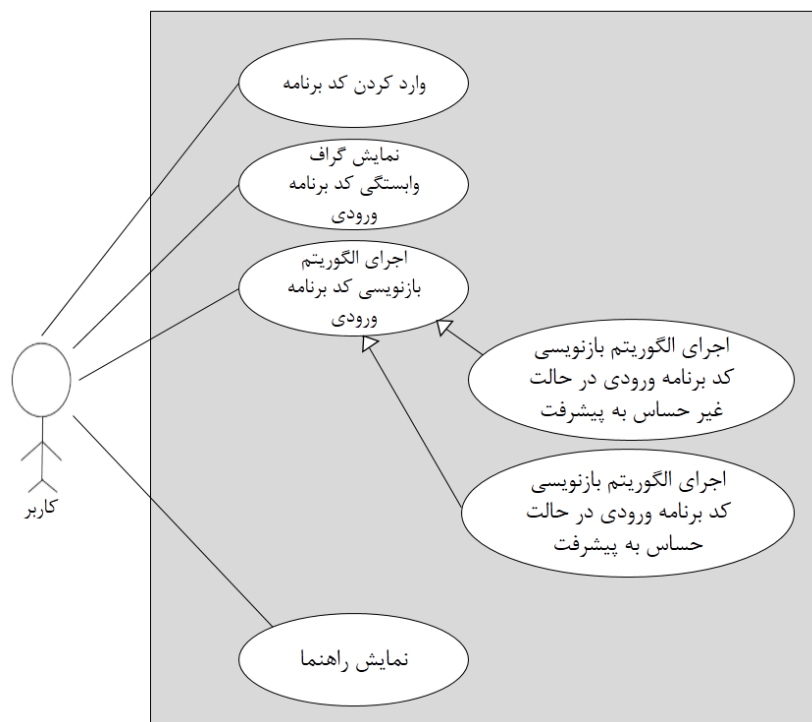
^{۹۷} Planning

^{۹۸} Modeling

^{۹۹} Construction

^{۱۰۰} Deployment

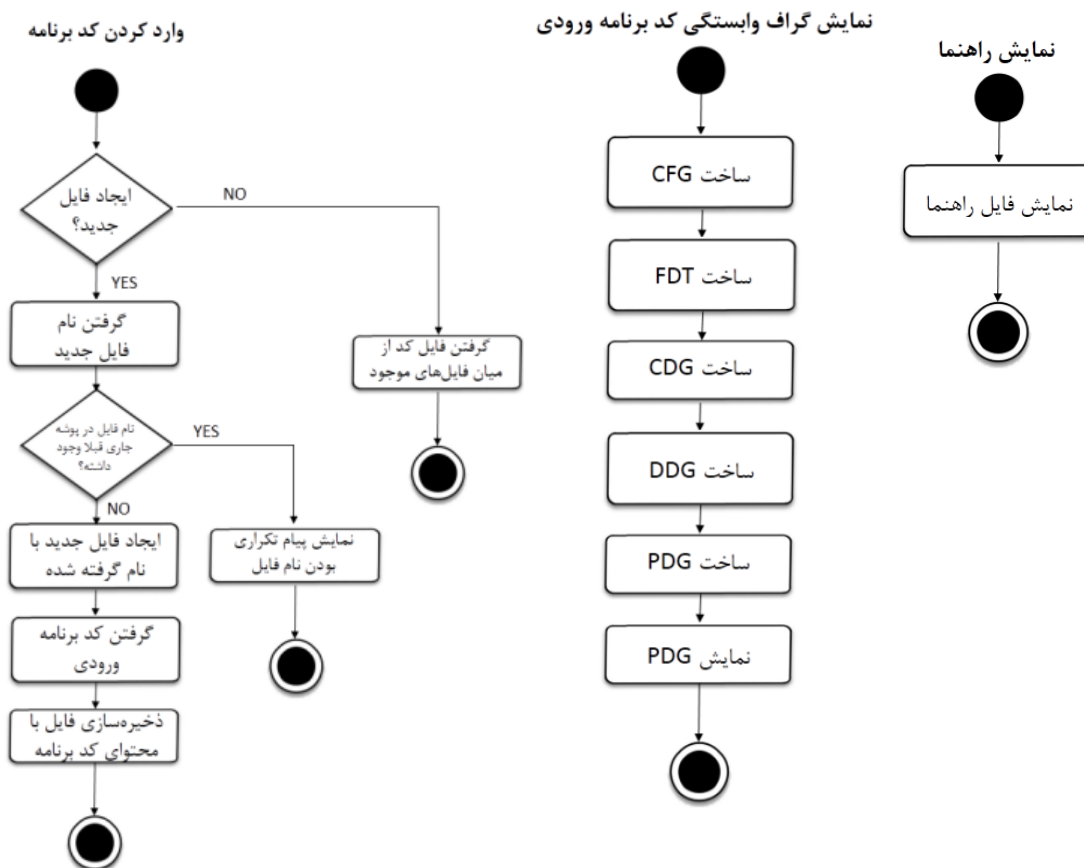
پایان می‌رسد. گام اول به تعریف و جمع‌آوری نیازمندی‌های پروژه اختصاص پیدا می‌کند. پس از درک کامل آن‌ها، گام برنامه‌ریزی انجام می‌شود. در این مرحله، تخمین‌ها و برنامه‌ریزی‌های زمانی برآورد می‌شود. این تخمین‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، شامل برآورد زمانی، هزینه، نیروی انسانی و سایر بخش‌هاست. قدم بعدی، مدل‌سازی یا همان تحلیل و طراحی نرم‌افزار خواهد بود. در این قسمت، با توجه به نیازمندی‌های پروژه، تحلیل‌های مربوط صورت می‌گیرد و مستندات و نمودارهای تحلیل و طراحی تولید می‌شوند. مهم‌ترین نمودار در مرحله تحلیل، نمودار مورد کاربرد^{۱۰۱} است که با توجه به نیازمندی‌ها و موردکاربردهای به دست آمده از تعریف پروژه ترسیم می‌شود. این نمودار مبنای تحلیل‌های بعدی خواهد بود. در ادامه نمودارهای مورد کاربرد و فعالیت^{۱۰۲} به عنوان بخشی از قسمت تحلیل آمده است.



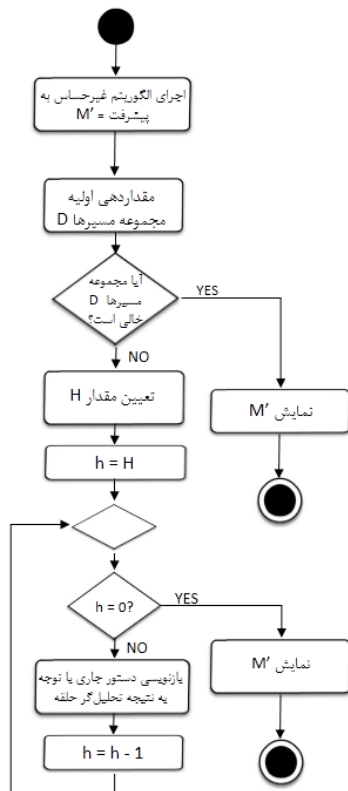
شکل ۱۹ - نمودار مورد کاربرد نرم‌افزار پروژه

¹⁰¹ Use Case Diagram

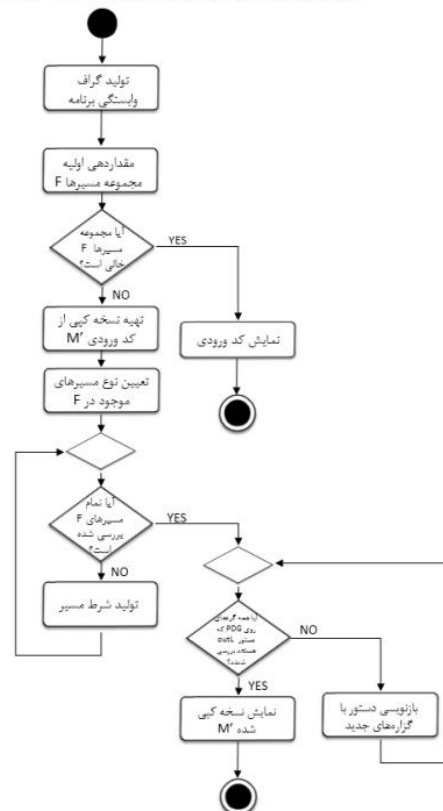
¹⁰² Activity Diagram



اجرای الگوریتم بازنویسی کد برنامه ورودی در حالت حساس به پیشرفت

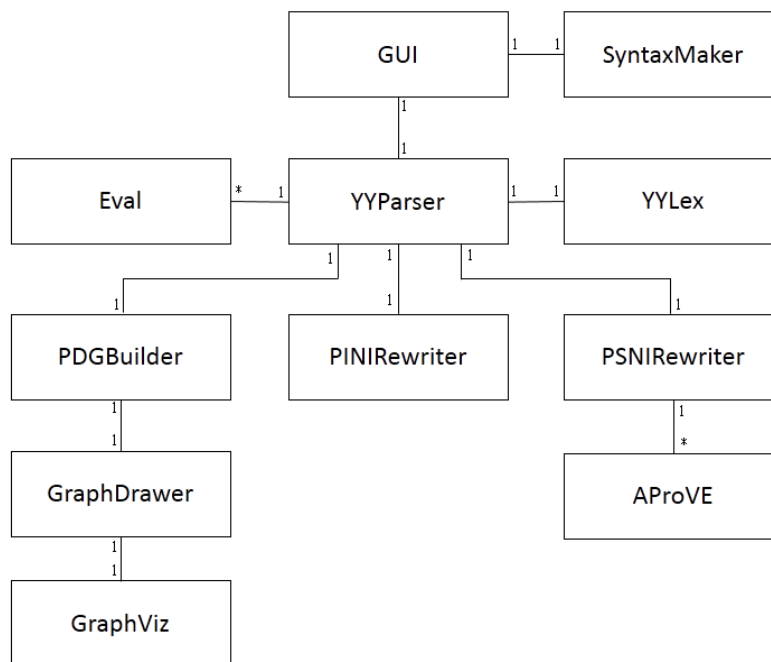


اجرای الگوریتم بازنویسی کد برنامه ورودی در حالت غیرحساس به پیشرفت



شکل ۲۰ - نمودارهای فعالیت نرم‌افزار پروژه

در مرحله طراحی، مهم‌ترین نمودار که آینه تمام‌نمای معماری نرم‌افزار نیز به شمار می‌رود، نمودار کلاس^{۱۰۳} است. این نمودار کلاس‌های مورد استفاده در نرم‌افزار و نحوه ارتباط بین آن‌ها را مشخص می‌کند. در واقع این نمودار، مرز بین تحلیل و طراحی است و از این نمودار به عنوان مبنای نمودارها و طراحی‌های نرم‌افزار می‌توان نام برد. در شکل ۲۱، نمودار کلاس نرم‌افزار این پروژه را مشاهده می‌کنید. در این شکل، جزئیات فیلدها و متدهای هر کلاس آورده نشده و تنها به نام کلاس‌ها و ارتباط بین آن‌ها اکتفا شده است.



شکل ۲۱ - نمودار کلاس نرم‌افزار پروژه (بدون ذکر فیلدها و متدها)

پس از این مراحل، گام بعدی پیاده‌سازی و آزمون نرم‌افزار خواهد بود که در قسمت‌های بعدی به تفصیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

دلایل انتخاب این مدل فرآیندی، علاوه بر ثابت و مشخص بودن نیازهای پروژه در ابتدای امر عبارتند از:

- فهم این مدل نسبت به مدل‌های فرآیندی دیگر ساده‌تر است.

¹⁰³ Class Diagram

- از حیث تولید مستندات، شرایط بهتر و آسان‌تری دارد.
- مراحل به سادگی قابل بررسی و کنترل هستند.

۲.۶ شرح کلی مراحل پیاده‌سازی و ابزارهای مورد استفاده

در این مرحله، با توجه به طراحی انجام شده، نرم‌افزار پروژه پیاده‌سازی می‌شود. برای این منظور، ابتدا پس از رفع ابهام و بازنویسی گرامر زبان WL مطرح‌شده در مقاله اصلی پروژه، با استفاده از ابزارهای jflex و bison، دو بخش اصلی کامپایلر این زبان؛ یعنی lexer و parser، فراهم شدند. در lexer، تمامی کلمات کلیدی و عناصر مختلف زبان به صورت نشانه^{۱۰۴}هایی در نظر گرفته شدند. سپس این نشانه‌ها، به parser داده می‌شود و با توجه به قواعد مختلف زبان، رفتار مربوط به هر قاعده در ذیل آن نوشته می‌شود. به این ترتیب اجزای زبان و قواعد گرامر آن پیاده‌سازی می‌شود. در این مرحله، خطاهای نحوی^{۱۰۵} تشخیص داده می‌شود و در صورت بروز آن‌ها، به کاربر گزارش داده می‌شود. البته لازم به یادآوری است که بنا به نیازهای پیاده‌سازی، قسمت‌هایی از parser پس از تولید توسط ابزار bison، به صورت دستی تغییر پیدا کرده است، که این امر نیازمند تسلط کافی به جزئیات این کلاس است. در صورت نیاز، نحوه اجرای کدها و تولید آن‌ها توسط ابزارهای ذکر شده، در فایلی به نام README-GuidToRun.txt در پوشه پروژه آمده است. در کد نوشته‌شده برای parser، در زمان تشکیل درخت تجزیه و بررسی برنامه داده شده به آن، به طور همزمان گراف جریان کنترل برنامه نیز تولید می‌شود. گراف‌های مورد استفاده در این پروژه، همگی از نوع لیست پیوندی^{۱۰۶} می‌باشند. دلیل استفاده از این ساختمان داده، سهولت در پیمایش، عدم نیاز به دسترسی تصادفی و رعایت حفظ ترتیب گره‌های فرزند و پدر است. در هر گره، اطلاعات مورد نیاز نظیر شماره گره، گزاره، اشاره‌گرهای بعدی و قبلی در گراف‌ها، ارتفاع گره، متغیرهای موجود در گزاره و غیره ذخیره می‌شود.

¹⁰⁴ Token

¹⁰⁵ Syntax Errors

¹⁰⁶ Linked List

تا این‌جا، کد برنامه داده شده به برنامه از نظر نحوی بررسی و گراف جریان کنترل ساخته شده است. اکنون با توجه به نوع درخواست کاربر؛ یعنی تولید گراف وابستگی برنامه، بازنویسی در حالت غیرحساس به پیشرفت یا در حالت حساس به پیشرفت، عملیات مربوط به هر کدام اجرا می‌شود.

برای نمایش گراف وابستگی برنامه، از ابزار قدرت‌مند GraphViz [۱۳] استفاده شده است. به این شکل که کد مربوط به این ابزار به پروژه اضافه شده است و با انجام تنظیمات اولیه، با تولید گراف به زبان dot که توسط این ابزار شناخته شده است، گراف مورد نظر در قالب یک تصویر با فرمت png تولید می‌شود. در هنگام تولید گراف وابستگی برنامه، علاوه بر نمایش گرافیکی آن، گراف‌های وابستگی کنترلی و داده‌ای نیز به طور مجزا ذخیره می‌شوند.

اما علاوه بر ابزارهای ذکر شده در بالا، برای تابع تحلیل‌گر حلقه که در الگوریتم بازنویسی حالت حساس به پیشرفت نقش تأثیرگذاری را ایفا می‌کند، ابزارهای مختلفی بررسی شد. گرچه هیچ‌کدام از ابزارهای بررسی‌شده، تحلیل مورد نیاز ما برای این تابع را ارائه نکردند، اما جستجو برای یافتن ابزار مناسب و نزدیک به خواسته ما، کار ساده‌ای نبود. برای این قسمت، مقالات مختلفی مطالعه شد و ابزارهای گوناگونی نظیر DRR، T2، Cooperative T2، Polyrank، Frama-C، Clang، Kittle، rankFinder، PAG، LoopFrog و AProVE [۱۴] نصب و بررسی شدند. در پایان این مرحله و با در نظر گرفتن معیارهای دقت و سرعت بالاتر، راحتی استفاده، نوع چاپ خروجی و میزان شباهت در تحلیل مورد نیاز این نرم‌افزار، از ابزار AProVE استفاده شده است. به این منوال که کد حلقه‌ای که به عنوان ورودی به تابع تحلیل‌گر حلقه داده می‌شود، به زبان C تبدیل می‌شود و سپس، برنامه تبدیل شده به زبان C به عنوان ورودی به ابزار تحلیل حلقه AProVE داده می‌شود. این ابزار با توجه به کد ورودی، یکی از سه جواب ممکن Proven، Disproven و Maybe را به سوال درباره خاتمه آن برنامه می‌دهد. Proven به معنای اثبات خاتمه برنامه و Disproven به معنای اثبات عدم خاتمه برنامه تحت هر شرایطی است. این در حالیکه نتیجه تحلیل Maybe به معنای ناتوانی این ابزار در تحلیل برنامه داده شده تلقی می‌شود. لذاست که نتیجه تحلیل Proven معادل با عبارت همواره درست در تابع تحلیل‌گر حلقه خواهد بود، اما در صورتی که پاسخ یکی از حالت‌های Disproven یا Maybe باشد، بهتر است با اجرای الگوریتم‌هایی سعی در تحلیل حلقه داشته باشیم.

در پیاده‌سازی رابط کاربری گرافیکی، ظاهر برنامه متناسب با سیستم‌عامل کاربر است. برای ویرایش‌گر کد مبدأ، به جای استفاده از ویرایش‌گرهای ساده، با تعریف ساختار نحوی زبان و تنظیمات

اولیه، از کتابخانه RSyntaxTextArea [۱۵] استفاده شده است که تجربه یک محیط کاربرپسند و حرفه‌ای را در اختیار کاربر می‌گذارد.

شایان ذکر است که به طور کلی، کدهای نوشته شده به زبان WL به زبان‌های سطح بالا و رایج‌تری مثل C قابل تبدیل است. در این نرم‌افزار نیز می‌توان کد ورودی و کدهای بازنویسی‌شده در هر حالت را در قالب برنامه‌های به زبان C نیز مشاهده کرد.

توضیحات جزئیات پیاده‌سازی کلاس‌های مختلف نرم‌افزار و گزارش روند انجام کار، در فایل‌های جداگانه‌ای در پوشه پروژه موجود است. به عنوان نمونه، بخشی از کدهای نوشته‌شده برای پیاده‌سازی در پیوست ارائه شده است.

۳.۶ ایجاد رابط کاربری گرافیکی^{۱۰۷}

اهمیت ظاهر برنامه و صفحاتی که کاربر توسط آن‌ها با سیستم در تعامل است، بر کسی پوشیده نیست. این اهمیت درباره نرم‌افزارهای مورد استفاده توسط کاربران حرفه‌ای رایانه یا همان برنامه‌نویسان که کاربران اصلی این نرم‌افزار هستند، دوچندان می‌شود. چرا که طراح باید پیچیدگی‌ها را در رابط کاربری به حداقل برساند، به نحوی که قابلیت‌های برنامه کاهش نیابد. از این رو، برای طراحی رابط کاربری گرافیکی این برنامه زمان زیادی صرف شده است. ابتدا با مشورت از یکی از اساتید رشته هنر و زیبایی‌شناسی، طراحی کلی صفحه برنامه انجام شد. پس از آن، طرح‌های مختلفی ارائه شد و به عنوان آزمایش، در اختیار تعدادی از برنامه‌نویسان قرار گرفت تا بازخورد آن‌ها نسبت به رابط کاربری این برنامه سنجیده شود. در پایان، با انجام اصلاحات، رابط کاربری گرافیکی برنامه نهایی شد.

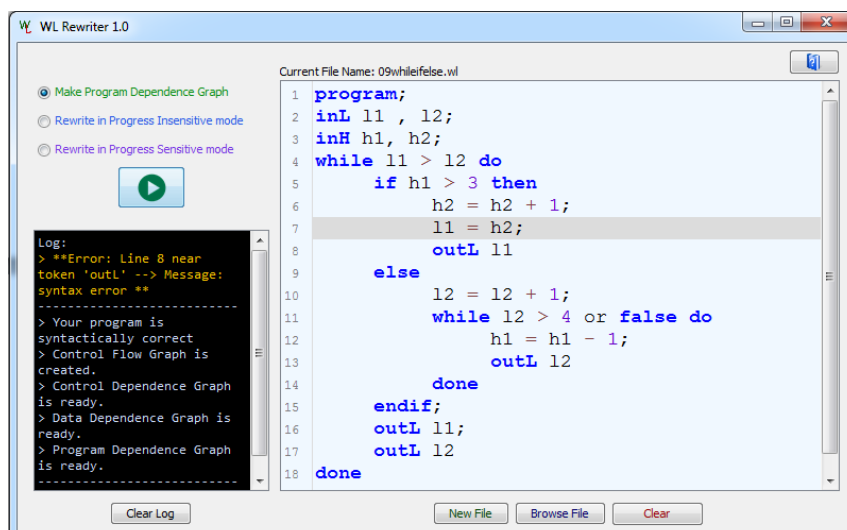
نکات زیر برای طراحی رابط کاربری این برنامه مورد استفاده قرار گرفته شده است:

- گزینه‌ها و دکمه‌های موجود در صفحه باید همگون و با سبک یکسان باشند.
- در هنگام تغییر وضعیت برنامه، باید ظاهر نیز متناسب با آن تغییر یابد. یعنی برنامه متناسب با هر فعالیت، بازخورد مناسبی داشته باشد.

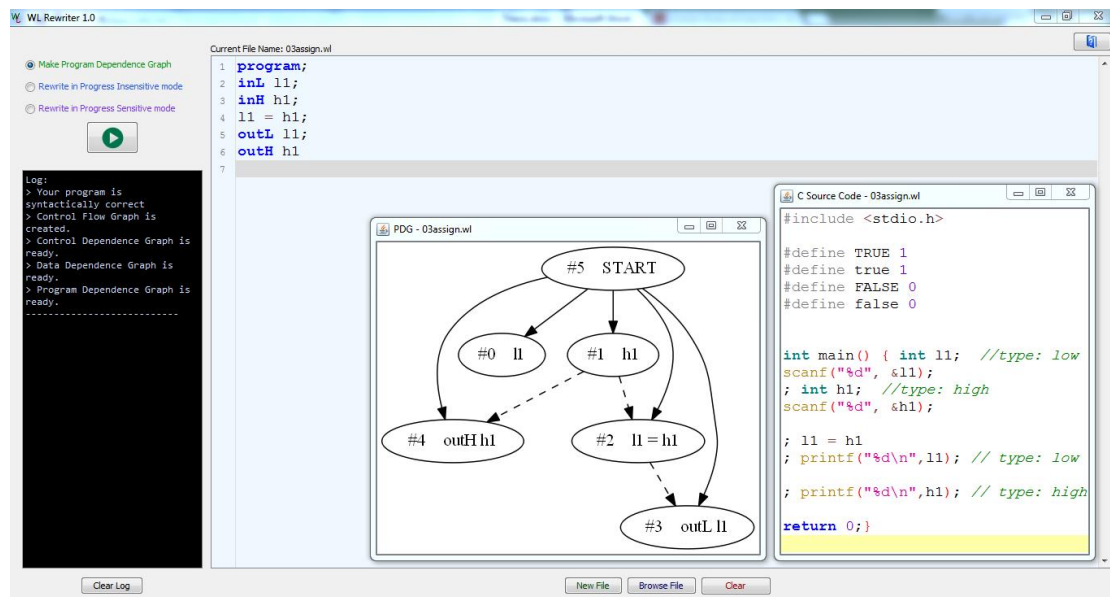
¹⁰⁷ Graphical User Interface

- هر گزینه باید کاملاً واضح و دارای معنای خاص باشد.
- برای همگی فعالیت‌ها، حالت‌های پیش‌فرض در نظر گرفته شود.
- کاربر نیازی به آموزش برای یادگیری کار با رابط کاربری نداشته باشد یا حداقل باشد.
- اجزائی که با یکدیگر مرتبط هستند، در یک گروه‌بندی خاص باشند.
- از رنگ‌ها و سبک‌ها به درستی و با توجه به گروه‌بندی‌ها و معانی رنگ‌ها در ذهن کاربر با توجه به سابقه قبلی آن‌ها استفاده شود.
- برای گزینه‌ها، از میان‌برها و یادمان^{۱۰۸}ها استفاده شود.
- برای حذف یا پاک کردن اطلاعات مهم، تأیید مجدد کاربر دریافت شود.
- برای نمایش پیغام‌ها از رنگ‌های متناسب استفاده شود.
- به دلیل استفاده طولانی مدت کاربر از این نرم‌افزار، بهتر است از رنگ‌ها و چینشی استفاده شود که آلودگی بصری برای کاربر را به دنبال نداشته باشد.
- امکان تغییر ابعاد صفحه برای کاربر وجود داشته باشد و ضمناً با تغییر ابعاد پنجره برنامه، چینش اجزا در صفحه منظم باقی بماند.

در این پروژه سعی شده است تا موارد بالا تا حد امکان رعایت شوند و تجربه خوب و لذت‌بخشی را برای کاربر به ارمغان بیاورد. استفاده مناسب از رنگ‌ها، چینش اجزا در صفحه، ایجاد میان‌برهای کاربردی و ویرایشگر کد سفارشی‌شده با ساختار نحوی زبان WL از جمله فعالیت‌های انجام شده است.



شکل ۲۲ - نمای کلی رابط کاربری گرافیکی نرم‌افزار



شکل ۲۳- نمونه‌ای از اجرای برنامه در رابط کاربری گرافیکی نرم‌افزار

۴.۶ راستی‌آزمایی و آزمون

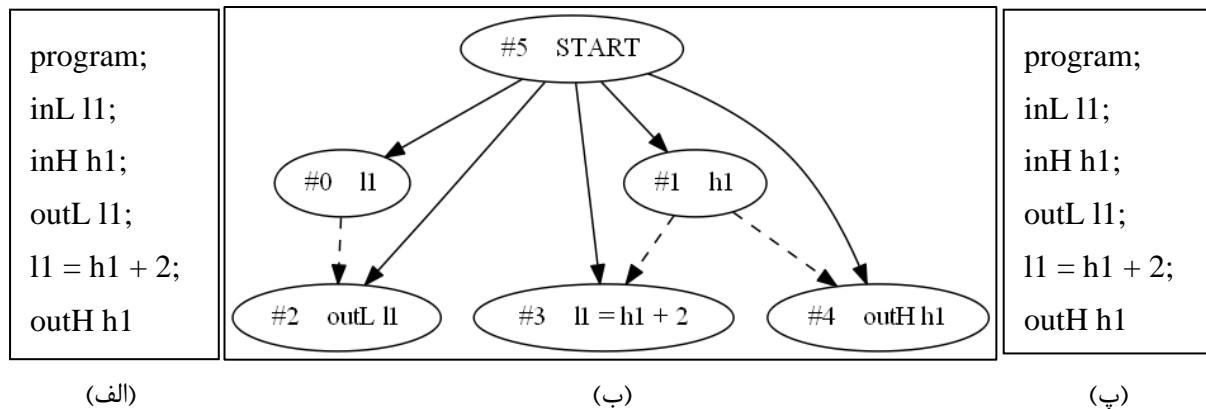
همان‌طور که قبلاً ذکر شد، روش مطرح شده و الگوریتم‌های بازنویسی با توجه به بیان صوری انجام شده در مقاله اصلی پروژه [۲]، از نظر سلامت و شفافیت قابل اثبات است. اما راستی‌آزمایی و آزمون برنامه پیاده‌سازی شده نیز اهمیت دارد. برای این کار، با بهره‌گیری از آزمون دامنه^{۱۰۹} تعدادی موردآزمون^{۱۱۰} برای بررسی صحت اجرای برنامه پیاده‌سازی شده طراحی شد. روش آزمون دامنه یکی از روش‌های پرکاربرد در آزمون نرم‌افزار به شمار می‌رود. در این روش، تعداد محدودی موردآزمون که هر یک به عنوان نماینده‌ای از دسته موردآزمون‌های مشابه هستند، به عنوان ورودی به نرم‌افزار داده می‌شود و خروجی حاصل از پردازش نرم‌افزار بر روی داده ورودی بررسی و راستی‌آزمایی می‌شود. در این پروژه نیز با همین روش، تعداد نزدیک به سی موردآزمون بررسی شد که هر یک شامل ساختار متفاوتی از عناصر موجود در زبان WL می‌باشند. با توجه به این‌که در حوزه زبان‌های برنامه‌سازی، استقرا از

¹⁰⁹ Domain Testing

¹¹⁰ Test Case

مرسوم‌ترین روش‌های اثبات به شمار می‌رود، سعی شد تا با کمترین تعداد استفاده از عناصر زبان در هر برنامه، نرم‌افزار مورد آزمون و بررسی قرار گیرد و برنامه‌های مشابه یا دارای ساختار مشابه با برنامه‌های مورد آزمون، به استقرا آزمون‌شده بگیریم. از طرفی، در طراحی موارد آزمون سعی شد تا انواع مختلف جریان‌های صریح و ضمنی مدنظر در خط مشی عدم‌تداخل در هر دو حالت حساس و غیرحساس به پیشرفت مورد بررسی قرار بگیرد.

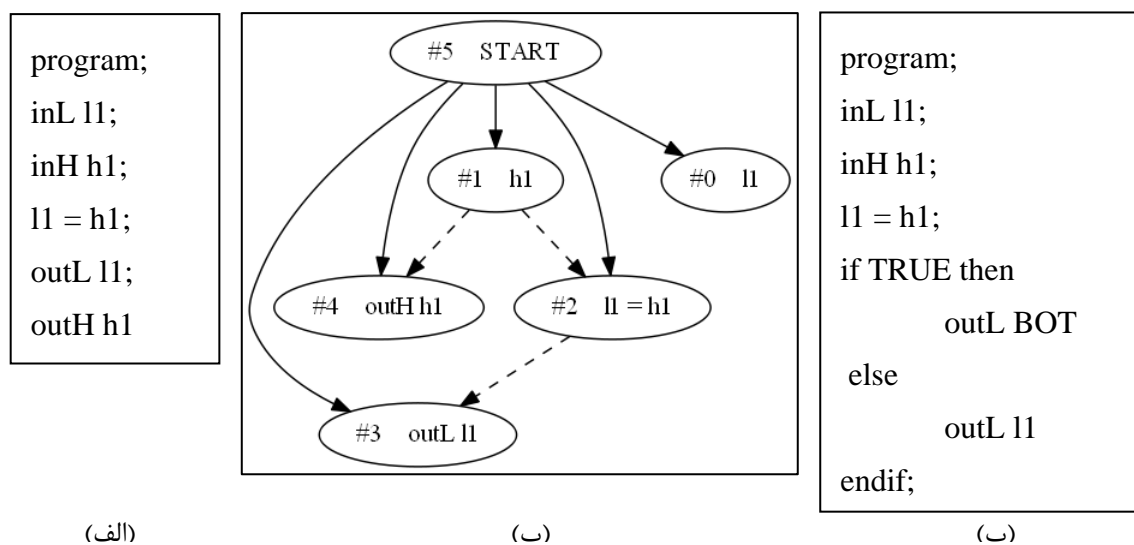
در ادامه نمونه‌هایی از موارد آزمون و برنامه‌های بازنویسی‌شده آن‌ها آورده شده است.



شکل ۲۴ - (الف) برنامه مورد آزمون با نام 02basic.wl (ب) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف (پ) برنامه بازنویسی‌شده

برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف

در شکل ۲۴، مورد آزمونی مشاهده می‌شود که گرچه به صورت صریح مقدار سطح بالا در متغیر سطح پایین l1 قرار می‌گیرد، اما به دلیل این‌که دستور outL l1 بعد از آن دستور نیامده است، پس خط مشی را نقض نمی‌کند. به همین دلیل، برنامه بازنویسی‌شده مربوط به آن نیز تفاوتی با برنامه اولیه ندارد.



شکل ۲۵ - (الف) برنامه مورد آزمون با نام 03assign.wl (ب) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف (پ) برنامه

بازنویسی‌شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف

در شکل ۲۵، به صورت صریح جریانی وجود دارد که عدم تداخل را نقض می‌کند. به همین دلیل و با توجه به این که شرطی برای وقوع مسیر وجود ندارد، پس هیچ‌گاه دستور `outL 11` اجرا نخواهد شد.

```

program;
inH h1, h2;
inL 11, 12;
if 11 > 0 then
    11 = 11 - 1;
    if 12 == 10 then
        if h2 > 9 then
            11 = 11 + 2;
            outL 11
        else
            12 = 2
        endif
    else
        12 = h1
    endif
endif;
11 = 2;
outL 11;
outL 12

```

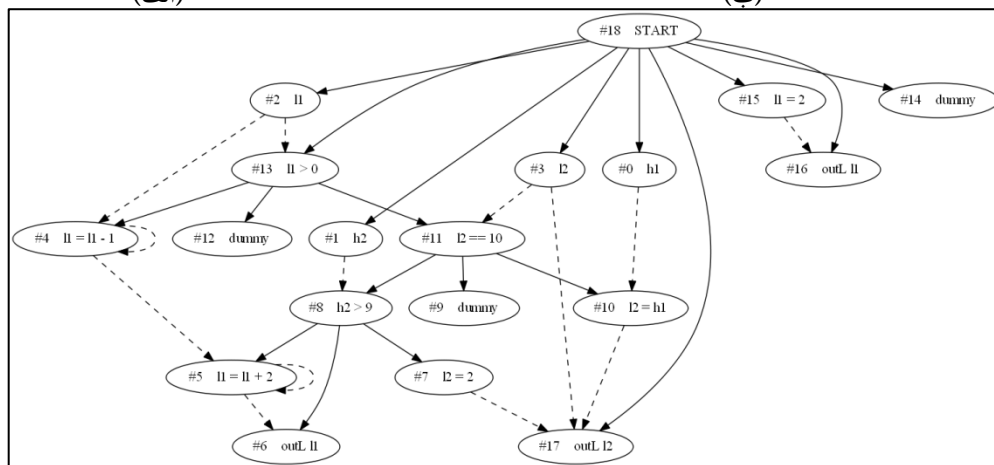
(الف)

```

program;
inH h1, h2;
inL 11, 12;
if 11 > 0 then
    11 = 11 - 1;
    if 12 == 10 then
        if h2 > 9 then
            11 = 11 + 2;
            if ( (12 == 10) and (11 > 0)
            and (h2 > 9) and (12 == 10) and (11 >
            0) ) or ( (12 == 10) and (11 > 0) ) then
                NOP
            else
                outL 11
            endif
        else
            12 = 2
        endif
    else
        12 = h1
    endif
endif;
11 = 2;
outL 11;
if ( (12 == 10) and (11 > 0) ) or ( !(12 == 10) and (11 >
0) ) then
    NOP
else
    outL 12
endif

```

(ب)



(پ)

شکل ۲۶- (الف) برنامه موردآزمون با نام `05if2.w1` (ب) برنامه بازنویسی شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف

(پ) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف

در شکل ۲۶، برنامه مورد آزمونی است که برای بررسی دستورات if و else طراحی شده است. مسیرهای مختلفی در این برنامه وجود دارد که ممکن است باعث نقض عدم تداخل شود. در ادامه جدول خروجی‌های برنامه‌های به زبان C متناظر با برنامه‌های الف و ب برای مقادیر ورودی گوناگون آمده است که صحت برنامه بازنویسی شده را نشان می‌دهد.

l1	l2	h1	h2	outL l1 (line# 9)	outL l1 (line# 18)	outL l2 (line# 19)	Violation
0	0	1	1	-	2	0	No
0	0	1	0	-	2	0	
1	1	1	0	-	2	1	Yes
1	1	0	0	-	2	0	
5	10	1	10	6	2	10	Yes
5	10	1	9	-	2	2	

جدول ۱- نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه متناظر با 05if2.wl به زبان C

l1	l2	h1	h2	outL l1 (line# 9)	outL l1 (line# 18)	outL l2 (line# 19)	Violation
0	0	1	1	-	2	-	No
0	0	1	0	-	2	-	
1	1	1	0	-	2	-	No
1	1	0	0	-	2	-	
5	10	1	10	-	2	-	No
5	10	1	9	-	2	-	

جدول ۲- نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه بازنویسی شده در حالت غیرحساس به پیشرفت متناظر با 05if2.wl به زبان C

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، برنامه بازنویسی شده برخلاف برنامه اولیه، به ازای ورودی‌های مختلف سطح بالا تغییری نمی‌کند و موارد ناقض عدم تداخل اصلاح شده است.

(ب)



به برنامه الف (پ) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف

در شکل ۲۷، موردآزمون دیگری بررسی می‌شود که حالت پیشرفته‌تری برای ساختار if و else در کنار هم و تو در تو است. ضمناً در این موردآزمون خروجی‌های مختلف سطح پایین و بالا در نقاط متفاوتی از برنامه دیده می‌شود. در ادامه به تحلیل این موردآزمون خواهیم پرداخت.

l1	l2	h1	h2	outL l1 (line# 6)	outL l1 (line# 9)	outH h1 (line# 10)	outL l1 (line# 15)	outH h2 (line# 16)	outL l2 (line# 19)	outL l1 (line# 20)	outL l1 (line# 23)	outL l2 (line# 24)	Violation
0	4	0	0	-	-	-	1	0	-	-	1	4	No
0	4	1	1	-	-	-	1	1	-	-	1	4	
0	2	0	0	-	-	-	-	-	2	0	0	2	Yes
0	2	1	1	-	-	-	-	-	3	0	0	3	
1	0	7	1	7	6	7	-	-	-	-	6	0	Yes
1	0	6	1	7	-	-	-	-	-	-	7	0	

جدول ۳ - نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه متناظر با 07ifelseadvanced.wl به زبان C

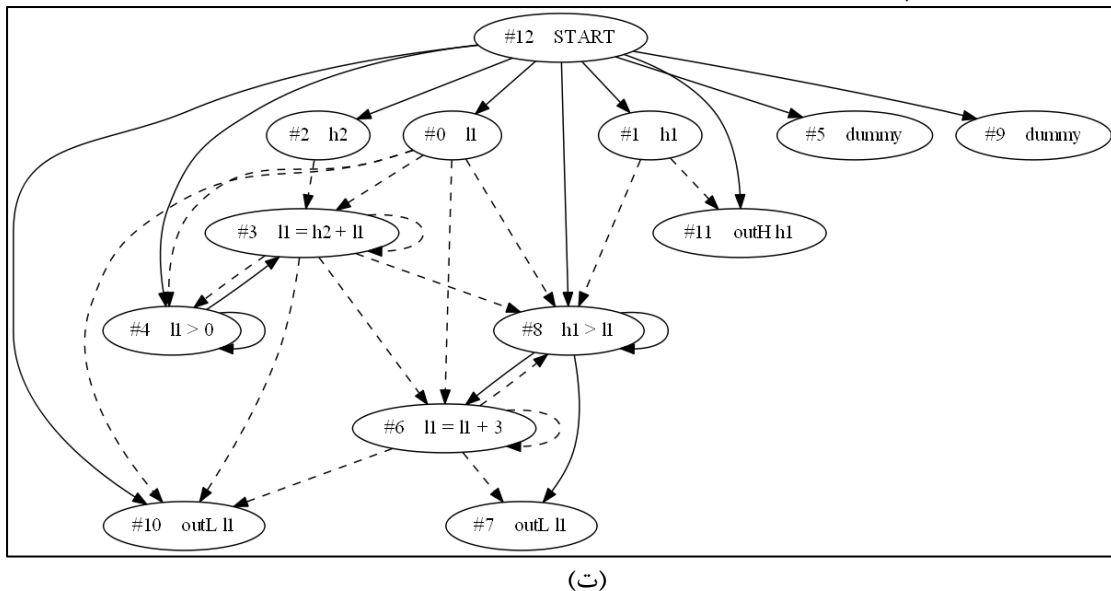
l1	l2	h1	h2	outL l1 (line# 6)	outL l1 (line# 9)	outH h1 (line# 10)	outL l1 (line# 15)	outH h2 (line# 16)	outL l2 (line# 19)	outL l1 (line# 20)	outL l1 (line# 23)	outL l2 (line# 24)	Violation
0	4	0	0	-	-	-	1	0	-	-	-	4	No
0	4	1	1	-	-	-	1	1	-	-	-	4	
0	2	0	0	-	-	-	-	-	BOT	0	0	BOT	No
0	2	1	1	-	-	-	-	-	BOT	0	0	BOT	
1	0	7	1	7	-	7	-	-	-	-	-	0	No
1	0	6	1	7	-	-	-	-	-	-	-	0	

جدول ۴ - نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه بازنویسی شده در حالت غیرحساس به پیشرفت متناظر با 07ifelseadvanced.wl به زبان C

در موردآزمون شکل ۲۷، با توجه به وجود جریان‌های صریح و ضمنی، برنامه بازنویسی شده است. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، موارد ناقض عدم تداخل برطرف شده است. باید دقت داشت که در این موردآزمون، خروجی‌های سطح بالایی هم وجود دارند که تفاوت مقادیر خروجی آن‌ها خط مشی مورد نظر را به مخاطره نمی‌اندازد.

تا اینجا موارد آزمون نمونه مطرح شده، به دلیل عدم وجود ساختار حلقه در آن‌ها، در حالت حساس به پیشرفت همان برنامه بازنویسی شده در حالت غیرحساس به پیشرفت را خواهند داشت. در ادامه موارد آزمون نمونه مربوط به حالت حساس به پیشرفت آمده است.

<pre> program; inL l1; inH h1 , h2; while l1 > 0 do l1 = h2 + l1 done; while h1 > l1 do l1 = l1 + 3; outL l1 done; outL l1; outH h1 </pre>	<pre> program; inL l1; inH h1, h2; while l1 > 0 do l1 = h2 + l1 done ; while h1 > l1 do l1 = l1 + 3; if TRUE then NOP else outL l1 endif done ; if TRUE then NOP else outL l1 endif; outH h1 </pre>	<pre> program; inL l1; inH h1, h2; if h2 < 0 then while l1 > 0 do l1 = h2 + l1 done endif; while h1 > l1 do l1 = l1 + 3; if TRUE then NOP else outL l1 endif done ; if TRUE then NOP else outL l1 endif ; outH h1 </pre>
(الف)	(ب)	(پ)



(ت)

شکل ۲۸ - (الف) برنامه مورد آزمون با نام `11whilewhileconcat.w1` (ب) برنامه بازنویسی شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه (پ) برنامه بازنویسی شده برای حالت حساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف (ت) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف

l1	h1	h2	outL l1 (line# 9)	outL l1 (line# 11)	outH h1 (line# 12)	Violation
0	1	0	3	3	1	Yes
0	5	1	3,6	6	5	
1	0	-2	2	2	0	Yes
1	5	-2	2,5	5	5	
1	1	0	diverge			Yes
1	1	-2	2	2	1	

جدول ۵ - نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه متناظر با 11whilewhileconcat.wl به زبان C

l1	h1	h2	outL l1 (line# 9)	outL l1 (line# 11)	outH h1 (line# 12)	Violation
0	1	0	-	-	1	No
0	5	1	-	-	5	
1	0	-2	-	-	0	No
1	5	-2	-	-	5	
1	1	0	diverge			No
1	1	-2	-	-	1	

جدول ۶ - نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه بازنویسی‌شده در حالت غیرحساس به پیشرفت متناظر با 11whilewhileconcat.wl به زبان C

l1	h1	h2	outL l1 (line# 9)	outL l1 (line# 11)	outH h1 (line# 12)	Violation
0	1	0	-	-	1	No
0	5	1	-	-	5	
1	0	-2	-	-	0	No
1	5	-2	-	-	5	
1	1	0	-	-	1	No
1	1	-2	-	-	1	

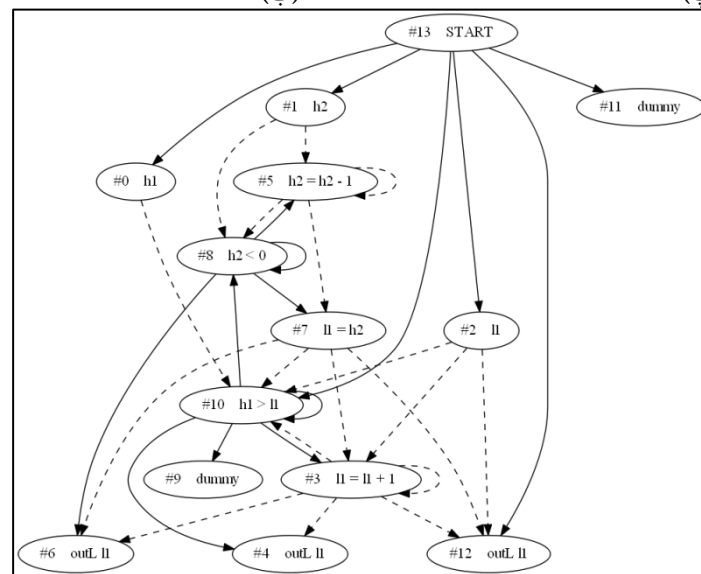
جدول ۷ - نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه بازنویسی‌شده در حالت حساس به پیشرفت متناظر با 11whilewhileconcat.wl به زبان C

همان‌طور که در جداول فوق آمده است، با بازنویسی برنامه در حالت غیرحساس به پیشرفت، برنامه بازنویسی‌شده در این حالت امن تشخیص داده می‌شود؛ زیرا مشاهده‌گر سطح پایین توانایی مشاهده وضعیت پیشرفت برنامه را ندارد، پس نمی‌تواند تمایزی بین حالت واگرایی یا خاتمه قائل شود. اما واگرا شدن برنامه برای مقدار ورودی ۱ برای متغیر سطح پایین l1 و مقادیر ورودی متفاوت برای متغیر سطح بالای h2، باعث می‌شود تا مشاهده‌گر سطح پایین با درک این تفاوت، اطلاعاتی را نسبت به

اطلاعات سطح بالا به دست آورد که در برنامه بازنویسی شده در حالت حساس به پیشرفت، از این امکان جلوگیری می‌شود.

در موردآزمون قبلی، دو ساختار حلقه در کنار یکدیگر بررسی شد. در موردآزمون بعدی، دو ساختار حلقه تو در تو را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

<pre> program; inH h1, h2; inL l1; while h1 > l1 do l1 = l1 + 1; outL l1; while h2 < 0 do h2 = h2 - 1; outL l1; l1 = h2 done done; outL l1 </pre>	<pre> program; inH h1, h2; inL l1; while h1 > l1 do l1 = l1 + 1; if TRUE then NOP else outL l1 endif; while h2 < 0 do h2 = h2 - 1; if TRUE then NOP else outL l1 endif; l1 = h2 done done ; if TRUE then NOP else outL l1 endif </pre>	<pre> program; inH h1, h2; inL l1; while h1 > l1 do l1 = l1 + 1; if TRUE then NOP else outL l1 endif ; if h2 < 0 then h2 = h2 - 1; if TRUE then NOP else outL l1 endif ; l1 = h2 endif done ; if TRUE then NOP else outL l1 endif </pre>
(الف)	(ب)	(پ)



(ت)

شکل ۲۹ - (الف) برنامه موردآزمون با نام `whilewhilenested.wl` (ب) برنامه بازنویسی شده برای حالت غیرحساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف

(پ) برنامه بازنویسی شده برای حالت حساس به پیشرفت مربوط به برنامه الف (ت) گراف وابستگی برنامه مربوط به برنامه الف

l1	h1	h2	outL l1 (line# 6)	outL l1 (line# 9)	outL l1 (line# 13)	Violation
1	2	0	2	-	2	Yes
1	0	0	-	-	1	
1	3	0	2,3	-	3	Yes
1	3	-1	2	diverge		
0	4	2	1,2,3,4	-	4	Yes
0	4	-5	1	diverge		

جدول ۸ - نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه متناظر با 17whilewhilenested.wl به زبان C

l1	h1	h2	outL l1 (line# 6)	outL l1 (line# 9)	outL l1 (line# 13)	Violation
1	2	0	-	-	-	No
1	0	0	-	-	-	
1	3	0	-	-	-	No
1	3	-1	diverge			
0	4	2	-	-	-	No
0	4	-5	diverge			

جدول ۹ - نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه بازنویسی‌شده در حالت غیرحساس به پیشرفت متناظر با 17whilewhilenested.wl به زبان C

l1	h1	h2	outL l1 (line# 6)	outL l1 (line# 9)	outL l1 (line# 13)	Violation
1	2	0	-	-	-	No
1	0	0	-	-	-	
1	3	0	-	-	-	No
1	3	-1	-	-	-	
0	4	2	-	-	-	No
0	4	-5	-	-	-	

جدول ۱۰ - نمونه ورودی‌ها و خروجی‌ها برای برنامه بازنویسی‌شده در حالت حساس به پیشرفت متناظر با 17whilewhilenested.wl به زبان C

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این موردآزمون موارد ناقض عدم تداخل بسیاری وجود دارد. با بازنویسی برنامه در حالت غیرحساس به پیشرفت، به دلیل تأثیر مقادیر سطح بالا در متغیر l1 در سراسر برنامه، عملاً دستورات نمایش خروجی l1 با دستور NOP جایگزین شده‌اند. باید توجه داشت که حتی در این حالت هم ممکن است در حالت حساس به پیشرفت، خط مشی برآورده نشود. در این نمونه، به دلیل این‌که حلقه درونی همواره واگراست و با توجه به الگوریتم بازنویسی در این حالت حساس به پیشرفت،

دستور while با دستور if جایگزین شده است که باعث می‌شود برنامه همواره خاتمه یابد. به این ترتیب، برنامه‌های بازنویسی شده نتایج موجود در جدول را منجر می‌شوند.

لازم به یادآوری است که موارد آزمون دیگری برای این پروژه در نظر گرفته شده است که به ذکر تعدادی از آن‌ها بسنده شده است. در طراحی این موارد آزمون سعی شده است تا حالت‌های ممکن در هر دو حالت حساس و غیرحساس به پیشرفت با توجه به ساختارهای مختلف زبان WL در نظر گرفته شود. همه نتایج اجراهای موجود در جداول بالا، از طریق اجرای برنامه‌های به زبان C به دست آمده است که متناظر با هر یک از برنامه‌ها تولید می‌شود.

فصل هفتم

جمع‌بندی و کارهای آینده

جمع‌بندی و کارهای آینده

در طول فصول گذشته، ابتدا درباره امنیت و خط مشی امنیتی صحبت شد. سپس خط مشی امنیتی عدم تداخل را به عنوان یکی از خطوط مشی که خاصیت نیستند، معرفی کردیم و اشاره‌ای به محدودیت‌هایی که این‌گونه خط مشی‌ها برای اعمال دارند، شد. در ادامه انواع مختلف عدم تداخل؛ یعنی حالت غیرحساس به پیشرفت و حساس به پیشرفت را مطرح کردیم و مشاهده شد که برای اعمال این خط مشی، راه‌های مختلفی وجود دارد که یکی از بهترین مکانیزم‌ها، روش بازنویسی برنامه است. در حالت غیرحساس به پیشرفت، مسیرهایی اهمیت داشت که از مقادیر ورودی سطح بالا آغاز و به دستورات خروجی مقادیر سطح پایین ختم می‌شدند. در حالت حساس به پیشرفت، وضعیت پیشرفت برنامه نیز ممکن بود اطلاعات سطح بالایی را به مشاهده‌گر سطح پایین منتقل کند. از این رو، نگاه ویژه‌ای به ساختار ایجاد واگرایی در برنامه‌ها داشتیم. سپس زبان برنامه‌نویسی مدل ارائه‌شده در مقاله اصلی پروژه یا همان WL شرح داده شد. این زبان شامل ساختارهای مختلف و مرسوم زبان‌های برنامه‌نویسی بود که عنصر ایجاد حلقه در آن، ساختار while است. با توجه به تعاریف ارائه شده، الگوریتم‌های بازنویسی برای حالت‌های غیرحساس و حساس به پیشرفت بیان شد و همان‌طور که قبلاً اشاره شده بود، بیان صوری خط مشی‌ها و اثبات سلامت و شفافیت الگوریتم‌های بازنویسی، در مقاله اصلی پروژه آمده است. در ادامه به نحوه پیاده‌سازی و ابزارهای مورد استفاده پرداخته شد و با ارائه مورد-آزمون‌های کاربردی، صحت برنامه پیاده‌سازی شده را نشان دادیم.

اما ایده این پروژه یکی از گام‌های ابتدایی و رو به جلویی برای اعمال خط مشی‌های امنیتی با حفظ شفافیت است. می‌توان فکر اصلی استفاده شده در این پروژه را برای زبان‌های برنامه‌نویسی پیشرفته‌تر و رایج‌تر که ساختارهای زبانی پیچیده‌تری دارند به کار بست. زبان‌هایی که از ساختارهای کلاس، شی، چندنخی و سایر ویژگی‌های نوین زبان‌های برنامه‌نویسی امروزی پشتیبانی می‌کنند، می‌توانند به عنوان آینده این پروژه قلمداد کرد. در پیاده‌سازی نیز می‌توان با بهینه‌سازی کد برنامه، به سرعت و استفاده کمتر از حافظه کمک کرد. تابع تحلیل‌گر حلقه نیز به تنهایی می‌تواند موضوع پژوهش جذابی برای علاقمندان این حوزه باشد. از حیث پژوهش‌های نظری نیز می‌توان به دسته‌بندی خط مشی‌های قابل اعمال توسط روش بازنویسی به عنوان یکی از مسائل روز نام برد.

منابع و مراجع

- [۱] F.B. Schneider, J.G. Morrisett, and R. Harper, “A Language-Based Approach to Security, in Informatics - 10 Years Back. 10 Years Ahead”, Springer-Verlag Berlin, Heidelberg, 2001, pp. 86-101.
- [۲] A.Lamei and M. S. Fallah, “Rewriting-Based Enforcement of Noninterference in Programs with Observable Intermediate Values”, To appear in the Journal of Universal Computer Science, Vol. XX, No. XX, Month 20XX, 1-24.
- [۳] J.A. Goguen and J. Meseguer, Security policies and security models, in Proceedings of IEEE Symposium on Security and Privacy, Vol. 12, IEEE, 1982, pp. 11-18.
- [۴] A. Russo and A. Sabelfeld, Dynamic vs. Static Flow-Sensitive Security Analysis, in Proceedings of the 2010 23rd IEEE Computer Security Foundations Symposium, CSF '10, IEEE, 2010, pp. 186-199.
- [۵] J. Ferrante, K.J. Ottenstein, and J.D. Warren, The program dependence graph and its use in optimization, ACM Transactions on Programming Languages and Systems 9 (1987), pp. 319-349.
- [۶] H. Mantel and H. Sudbrock, Types vs. pdgs in information flow analysis, in Logic-Based Program Synthesis and Transformation, Springer, 2013, pp. 106-121
- [۷] “JFlex”, Available: <http://jflex.de/> [Sep. 10, 2015].
- [۸] “Bison”, Available: <https://www.gnu.org/software/bison/> [Sep. 10, 2015].
- [۹] K. M. Anderson, “Lecture 15: Control Dependence Graphs - CSCI 5828 Slides”, Spring 2000, Available: <http://www.cs.colorado.edu/~kena/classes/5828/s00/lectures/lecture15.pdf> [Jul. 25 2015].
- [۱۰] T. Teitelbaum, “Introduction to Compilers, Lecture 24: Control Flow Graphs Slides”, 2008. <http://www.cs.cornell.edu/courses/cs412/2008sp/lectures/lec24.pdf> [Jul. 25 2015].
- [۱۱] “The Program Dependence Graph: Control Flow and Control Dependences – S502 Compilers Slides”. Available: <http://pages.cs.wisc.edu/~fischer/cs701.f08/lectures/Lecture19.4up.pdf> [Jul. 25 2015].
- [۱۲] S. Moore, A. Askarov, and S. Chong, Precise enforcement of progress-sensitive security, in Proceedings of the 2012 ACM Conference on Computer and Communications Security, CCS '12, ACM, 2012, pp. 881-893.
- [۱۳] E. R. Gansner and S. C. North. “An Open Graph Visualization and Its Application to Software Engineering”. Software – Practice and Experience Journal, vol. 30, No. 11, pp. 1203-1233, 2000. Available: www.graphviz.org [Aug. 12 2015].
- [۱۴] “AProVE”, Available: <http://aprove.informatik.rwth-aachen.de/index.asp?subform=home.html> [Aug. 25 2015].
- [۱۵] “RSyntaxTextArea”, Available: <http://bobbylight.github.io/RSyntaxTextArea/> [Sep. 04 2015].

پیوست

قسمت‌هایی از کدهای پیاده‌سازی پروژه

برای مشاهده همه فایل‌های مرتبط با پروژه، می‌توانید از آدرس
<https://github.com/smahmadpanah/BScProject>
 استفاده کنید.

lexer.l:

(این فایل ورودی ابزار jflex است. پس از تولید فایل Yylex.java، تغییراتی در آن فایل نیز اعمال شده است.)

```
package wlrewriter;
import java.lang.*;
%%
%byaccj
```

```
LETTER = [a-zA-Z]
```

```
DIGIT = [0-9]
```

```
NONZERO_DIGIT = [1-9]
```

```
PROGRAM_KW = (program)
```

```
AND_KW = (and)
```

```
OR_KW = (or)
```

```
NEG_KW = [!]
```

```
ASSIGN_KW = [=]
```

```
IF_KW = (if)
```

```
THEN_KW = (then)
```

```
ELSE_KW = (else)
```

```
ENDIF_KW = (endif)
```

```
WHILE_KW = (while)
```

```
DO_KW = (do)
```

```
DONE_KW = (done)
```

```
NOP_KW = (NOP)
```

```
BOT_KW = (BOT)
```

```
INL_KW = (inL)
```

```
INH_KW = (inH)
```

```
OUTL_KW = (outL)
```

```
OUTH_KW = (outH)
```

```
PLUS_KW = [+]
```

```
MINUS_KW = [-]
```

```
LT_KW = [<]
```

```
LE_KW = (<=)
```

```
EQ_KW = (==)
```

```
GT_KW = [>]
```

```
GE_KW = (>=)
```

```
LPAR_KW = [(]
```

```
RPAR_KW = [)]
```

```
INTEGER_NUMBER
```

```
= "0" | ({NONZERO_DIGIT}{DIGIT})*
```

```
BOOL_CONSTANT
```

```
= "true" | "false" | "TRUE" | "FALSE"
```

```
IDENTIFIER
```

```
= {LETTER}+ | {LETTER}{LETTER}{DIGIT}*
*
```

```
LineTerminator = \r|\n|\r\n
```

```
%%
```

```
{LineTerminator} {yyline++;}
```

```
{PROGRAM_KW} {
    return YYParser.PROGRAM_KW;
}
```

```
{AND_KW} {
    return YYParser.AND_KW;
}
```

```
{OR_KW} {
    return YYParser.OR_KW;
}
```

```
{NEG_KW} {
    return YYParser.NEG_KW;
}
```

```
{ASSIGN_KW} {
    return YYParser.ASSIGN_KW;
}
```

```
{IF_KW} {
    return YYParser.IF_KW;
}
```

```
{THEN_KW} {
    return YYParser.THEN_KW;
}
```

```
{ELSE_KW} {
    return YYParser.ELSE_KW;
}
```

```

}
{ENDIF_KW} {
    return YYParser.ENDIF_KW;
}

{WHILE_KW} {
    return YYParser.WHILE_KW;
}
{DO_KW} {
    return YYParser.DO_KW;
}
{DONE_KW} {
    return YYParser.DONE_KW;
}

{NOP_KW} {
    return YYParser.NOP_KW;
}

{BOT_KW} {
    return YYParser.BOT_KW;
}

{INL_KW} {
    return YYParser.INL_KW;
}
{INH_KW} {
    return YYParser.INH_KW;
}
{OUTL_KW} {
    return YYParser.OUTL_KW;
}
{OUTH_KW} {
    return YYParser.OUTH_KW;
}

{PLUS_KW} {
    return YYParser.PLUS_KW;
}
{MINUS_KW} {
    return YYParser.MINUS_KW;
}

{LT_KW} {
    return YYParser.LT_KW;
}
{LE_KW} {
    return YYParser.LE_KW;
}

}
{EQ_KW} {
    return YYParser.EQ_KW;
}
{GT_KW} {
    return YYParser.GT_KW;
}
{GE_KW} {
    return YYParser.GE_KW;
}

{INTEGER_NUMBER} {
    YYParser.stmt=yytext();
    return YYParser.INTEGER_NUMBER;
}
{BOOL_CONSTANT} {

    String s=yytext();
    YYParser.stmt=yytext();
    return YYParser.BOOL_CONSTANT;
}

{IDENTIFIER} {
    YYParser.stmt=yytext();
    return YYParser.IDENTIFIER;
}

{LPAR_KW} {
    return YYParser.LPAR_KW;
}

{RPAR_KW} {
    return YYParser.RPAR_KW;
}

"," {
    return ',';
}
";" {
    return ';';
}

. {
}

```

Parser.y:

(این فایل ورودی ابزار bison است. پس از تولید فایل

YYParser.java، تغییراتی در آن فایل نیز اعمال شده است.)

```
%{
package wlrewriter;

import java.io.*;
import java.lang.*;
import java.util.*;
import java.awt.Color;
import java.util.regex.Matcher;
import java.util.regex.Pattern;

%}

%type <eval> program exp c clist varlist b n x M N

%token <eval> PROGRAM_KW AND_KW OR_KW
NEG_KW LPAR_KW RPAR_KW ASSIGN_KW
IF_KW THEN_KW ELSE_KW ENDIF_KW
WHILE_KW DO_KW DONE_KW NOP_KW
BOT_KW INL_KW INH_KW OUTL_KW
OUTH_KW PLUS_KW MINUS_KW LT_KW
LE_KW EQ_KW GT_KW GE_KW
%token <eval> INTEGER_NUMBER
%token <eval> BOOL_CONSTANT
%token <eval> IDENTIFIER

%code {

/*****
MAIN
*****/

static PrintStream writer;
static String stmt;
private int nodeCounter = 0;
private static String sourceCodeFileName;

private String cSourceCodeOfInput="";
public String cSourceCodeForPSNI="";

private int whileID = 0;

public int controlFlag = 0;

public static int selectorPDGorPINIorPSNI;
//0: pdg | 1: pini | 2: psni
```

```
public ArrayList<Variable>
symbolTableOfVariables = new
ArrayList<Variable>(); //static bood ghablan

// public static void main(String args[]) throws
IOException, FileNotFoundException {
    public static void
mainMethod(String sFileName, int selector) {
        YYParser yyparser;
        final Yylex lexer;

        selectorPDGorPINIorPSNI =
selector;

//    System.out.println("Enter the source code file
path:");
//    Scanner sc = new Scanner(System.in);
//    sourceCodeFileName = sc.next();
sourceCodeFileName = sFileName;
//    String sourceCodeFileName = "input-while.wl";

try {
    writer = new PrintStream(new
File("reduction.txt"));
} catch (FileNotFoundException ex) {
    System.out.println("File reduction not found.");

    GUI.terminal.appendError("File reduction
not found.");
}

Yylex yylexTemp = null;
try{
    yylexTemp = new Yylex(new
InputStreamReader(new
FileInputStream(sourceCodeFileName)));
} catch (Exception ex) {
    System.err.println("Source code file not
found!");

    GUI.terminal.appendError("Source code file
not found!");
    System.exit(0);
}

lexer = yylexTemp;
```

```

yyparser = new YYParser(new Lexer() {

    @Override
    public int yylex() {
        int yyn_return = -1;
        try {

            yyn_return = lexer.yylex();
        } catch (IOException e) {
            System.err.println("IO error : " + e);

            GUI.terminal.appendError("IO error : " + e);
        }
        return yyn_return;
    }

    @Override
    public void yyerror(String error) {
        //System.err.println ("Error : " + error);
        System.err.println("**Error: Line " +
            lexer.getYyline() + " near token '" + lexer.yytext() + "'
--> Message: " + error + " **");
        GUI.terminal.append("**Error: Line " +
            lexer.getYyline() + " near token '" + lexer.yytext() + "'
--> Message: " + error + " **", Color.orange);

        writer.print("**Error: Line " +
            lexer.getYyline() + " near token '" + lexer.yytext() + "'
--> Message: " + error + " **");
    }

    @Override
    public Object getLVal() {
        return null;
    }

});

        try {
            yyparser.parse();
        } catch (IOException ex) {
            System.out.println("parse method is wrong.");

            GUI.terminal.appendError("parse method is
wrong.");
        }
        writer.close();
    }
}

    public static String getSourceCodeFileName() {
        return sourceCodeFileName;
    }

    /*-----*/
    /*-----*/
    /*-----*/
    /*-----*/

    %left AND_KW OR_KW
    %nonassoc q
    %right ASSIGN_KW
    %left EQ_KW
    %left LT_KW GT_KW
    %left LE_KW GE_KW
    %left PLUS_KW MINUS_KW
    %left THEN_KW
    %nonassoc p
    %nonassoc ELSE_KW

    %%

    program : PROGRAM_KW ';' clist
            {
                writer.print("\t program ->
PROGRAM_KW ';' clist \n");
                writer.print("###Hooray! - Your
program is syntactically correct### \n");
                System.out.println("###Hooray! -
Your program is syntactically correct###");
                GUI.terminal.append("Your
program is syntactically correct");

                $$ = new eval();
                ((eval)$$).stmt += "program; " +
                ((eval)$3).stmt;
                ((eval)$$).cSourceCode +=
                "#include <stdio.h> \n \n#define TRUE 1 \n#define
true 1 \n"
                + "#define
FALSE 0 \n#define false 0 \n\n\n"
                + "int main() {
" + ((eval)$3).cSourceCode + "return 0;}";
            }

```

```

//System.out.print(((eval)$$.cSourceCode);
ar);

cSourceCodeForPSNI =
((eval)$$.cSourceCode;

//omit WhileIDs
String pattern = "~WhileID[0-9]+~";
Pattern r = Pattern.compile(pattern);
Matcher m = r.matcher(((eval)$$.cSourceCode);
cSourceCodeOfInput = m.replaceAll("");
pattern = "~ENDWhileID[0-9]+~";
r = Pattern.compile(pattern);
m = r.matcher(cSourceCodeOfInput);
cSourceCodeOfInput = m.replaceAll("");

//System.out.println("\n\n*****\n\n" +
cSourceCodeOfInput);

//*****WE CAN USE
cSourceCodeOfInput TO MAKE A .c FILE FOR
COMPILE IT IN C LANGUAGE.

writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

(((eval)$$.variables.addAll(((eval)$3).variables);

((eval)$$.node = new
Node(nodeCounter++, "START");

//System.out.println(((eval)$3).nodeIdAndStmt);

((eval)$$.nodeIdAndStmt += "#"
+ ((eval)$$.node.getNodeID() + ":" + "program; \n";
((eval)$$.nodeIdAndStmt +=
((eval)$3).nodeIdAndStmt;

((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.nodeIdAndStmt);
/*for(String str :
((eval)$$.variables){

for(Variable varvar :
symbolTableOfVariables){

if(str.equals(varvar.name)){

((eval)$$.node.addToVariablesOfNode(varvar);

break;

}

}

}

((eval)$$.list = new
MyLinkedList(((eval)$$.node);

((eval)$$.list.merge(((eval)$3).list);
((eval)$$.list.merge(new
MyLinkedList(new Node(nodeCounter++, "STOP")));

if(controlFlag==2){
try{
PrintStream writer3 =
new PrintStream(new File(sourceCodeFileName+"-
PSNI.c"));

writer3.print(cSourceCodeOfInput);
}
catch (Exception e){

System.out.println("ERROR in FILE.");

GUI.terminal.appendError("ERROR in
FILE.");

}
}

if(controlFlag==1){
psni.setPSNICFG(((eval)$$.list);
try{
PrintStream writer1 =
new PrintStream(new File(sourceCodeFileName+"-
PINI.c"));

writer1.print(cSourceCodeOfInput);
}
catch (Exception e){

System.out.println("ERROR in FILE.");

GUI.terminal.appendError("ERROR in
FILE.");

```

```

    }
    }
    if(controlFlag==0){
        System.out.println("Control Flow
Graph is created.");
        GUI.terminal.append("Control
Flow Graph is created.");
        try{
            PrintStream writer2 =
new PrintStream(new
File(sourceCodeFileName+".c"));

            writer2.print(cSourceCodeOfInput);
        }
        catch (Exception e){

            System.out.println("ERROR in FILE.");

            GUI.terminal.appendError("ERROR in
FILE.");
        }

        PDGBuilder pdg = new
PDGBuilder(((eval)$$.list); //the CFG is input to build
the Forward Dominance Tree and after that, CFG and
DDG that make PDG! :)
        PINIRewriter pini = null;
        if(selectorPDGorPINIorPSNI !=
0){ // faghat namayeshe pdg ro nemikhad, ya pini ya
psni

            pini = new
PINIRewriter(pdg.getPDG());
        }
        if(selectorPDGorPINIorPSNI ==
2){
            psni = new PSNIRewriter(pini);
        }
        }

        };

clist: c
    {
        writer.print("\t clist -> c \n");
        $$=new eval();
        ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt;
        ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode;

        writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

```

```

        ((eval)$$.nodeIdAndStmt +=
((eval)$1).nodeIdAndStmt;

        (((eval)$$.variables.addAll(((eval)$1).varia
bles);

        ((eval)$$.list = ((eval)$1).list;
    };
    | clist ';' M c
    {
        writer.print("\t clist -> clist ; M c
\n");
        $$=new eval();
        ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt
+ "; " + ((eval)$4).stmt;
        ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode + "; " +
((eval)$4).cSourceCode;
        ((eval)$$.cSourceCode += "\n";

        writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

        ((eval)$$.nodeIdAndStmt +=
((eval)$1).nodeIdAndStmt + "; \n" +
((eval)$4).nodeIdAndStmt;

        (((eval)$$.variables.addAll(((eval)$1).varia
bles);

        (((eval)$$.variables.addAll(((eval)$4).varia
bles);

        ((eval)$$.list = ((eval)$1).list;

        ((eval)$$.list.merge(((eval)$4).list);

    };

exp : b
    {
        writer.print("\t exp -> b \n");
        $$=new eval();
        ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt;
        ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode;
        writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

```

```
exp \n");
```

```
es);
```

```

{
    writer.print("\t exp -> exp GE_KW
exp \n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt
+ " >= " + ((eval)$3).stmt;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode + " >= " +
((eval)$3).cSourceCode;

    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$1).variabl
es);
    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$3).variabl
es);
};
| exp GT_KW exp
{
    writer.print("\t exp -> exp GT_KW
exp \n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt
+ " > " + ((eval)$3).stmt;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode + " > " +
((eval)$3).cSourceCode;

    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$1).variabl
es);
    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$3).variabl
es);
};
| exp PLUS_KW exp
{
    writer.print("\t exp -> exp
PLUS_KW exp \n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt
+ " + " + ((eval)$3).stmt;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode + " + " +
((eval)$3).cSourceCode;

    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$1).variabl
es);

```

```

((eval)$$.variables.addAll(((eval)$3).variabl
es);
};
| exp MINUS_KW exp
{
    writer.print("\t exp -> exp
MINUS_KW exp \n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt
+ " - " + ((eval)$3).stmt;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode + " - " +
((eval)$3).cSourceCode;
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$1).variabl
es);
    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$3).variabl
es);
};
| exp AND_KW M exp
{
    writer.print("\t exp -> exp
AND_KW exp \n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt
+ " and " + ((eval)$4).stmt;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode + " && " +
((eval)$4).cSourceCode;
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$1).variabl
es);
    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$4).variabl
es);
};
| exp OR_KW M exp
{
    writer.print("\t exp -> exp OR_KW
exp \n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt
+ " or " + ((eval)$4).stmt;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode + " || " +
((eval)$4).cSourceCode;

    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

```



```

        ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$1).variables));
        ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$4).variables));
    };
    | NEG_KW exp %prec q
    {
        writer.print("\t exp -> NEG_KW
exp \n");
        $$=new eval();
        ((eval)$$.stmt += "!(" +
        ((eval)$2).stmt + ")";
        ((eval)$$.cSourceCode += "!(" +
        ((eval)$2).cSourceCode + ")";

        writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

        ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$2).variables));
    };
    | LPAR_KW exp RPAR_KW %prec p
    {
        writer.print("\t exp -> LPAR_KW
exp RPAR_KW \n");
        $$=new eval();
        ((eval)$$.stmt += "(" +
        ((eval)$2).stmt + ")";
        ((eval)$$.cSourceCode += "(" +
        ((eval)$2).cSourceCode + ")";
        writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

        ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$2).variables));
    };

c : NOP_KW
{
    writer.print("\t c -> NOP_KW \n");
;

    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += "NOP";
    ((eval)$$.cSourceCode += ";";
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

```

```

        ((eval)$$.node = new
Node(nodeCounter++, ((eval)$$.stmt);
        ((eval)$$.nodeIdAndStmt += "#"
+ ((eval)$$.node.getNodeID() + ":" + ((eval)$$.stmt);

        ((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.nodeIdAndStmt);
        ((eval)$$.list = new
MyLinkedList(((eval)$$.node);

    };
    | x ASSIGN_KW exp
    {
        writer.print("\t c -> x
ASSIGN_KW exp \n");
        $$=new eval();
        ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt
+ " = " + ((eval)$3).stmt;
        ((eval)$$.cSourceCode +=
        ((eval)$1).cSourceCode + " = " +
        ((eval)$3).cSourceCode;
        writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

        ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$3).variables));
    };

    boolean check = false;
    for(Variable v :
symbolTableOfVariables){

        if(((eval)$1).stmt.equals(v.name)){
            ((eval)$$.node
= new Node(nodeCounter++, ((eval)$$.stmt);

            ((eval)$$.nodeIdAndStmt += "#" +
            ((eval)$$.node.getNodeID() + ":" + ((eval)$1).stmt + "
= " + ((eval)$3).stmt;

            ((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.nodeIdAndStmt);

            for(String str :
            ((eval)$$.variables){

                for(Variable varvar :
symbolTableOfVariables){

                    if(str.equals(varvar.name)){

```

```

        ((eval)$$.node.addToVariablesOfNode(varvar);
ar);

        break;

    }

    }

    for(Variable
varvar : symbolTableOfVariables){

        if(varvar.name.equals(((eval)$1).stmt)){

            ((eval)$$.node.setAssignedVariable(varvar);

            break;

        }

    }

    ((eval)$$.list
= new MyLinkedList(((eval)$$.node);
    check = true;
    break;

    }

    }

    if(!check){

        System.err.println("undefined variable can
not be assigned:");

        GUI.terminal.append("undefined variable
can not be assigned:\n"+((eval)$$.stmt,
Color.orange);

        System.err.println("\n"+((eval)$$.stmt);
        //System.exit(0);
        return -1;

    }

    ((eval)$$.variables.add(((eval)$1).stmt);
//not necessary

};

| INL_KW varlist
{
    writer.print("\t c -> INL_KW
varlist \n") ;

    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += "inL
"+((eval)$2).stmt;
    //((eval)$$.cSourceCode += "int
"+((eval)$2).cSourceCode;
    for(String alpha :
((eval)$2).variables){
        ((eval)$$.cSourceCode
+= "int " + alpha + "; //type: low \n";
        ((eval)$$.cSourceCode
+= "scanf(\"%d\", &" + alpha + ");\n";
    }
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$2).variabl
es);

    boolean first = true;
    for(String i : ((eval)$2).variables){
        Variable currentVar =
new Variable(i);

        for(Variable v :
symbolTableOfVariables){

            if(v.name.equals(currentVar.name)){

                v.type = "low";

                currentVar.type = "low";

            }

        }

        ((eval)$$.node = new
Node(nodeCounter++, currentVar.name);

        ((eval)$$.node.setAssignedVariable(current
Var);

        //((eval)$$.node.addToVariablesOfNode(cur
rentVar);

        if(first){

```

```

                                ((eval)$$.list
= new MyLinkedList(((eval)$$.node);
                                first = false;
                                }
                                else{

                                ((eval)$$.list.merge(new
MyLinkedList(((eval)$$.node));
                                }
                                }

                                ((eval)$$.nodeIdAndStmt += "#" +
((eval)$$.node.getNodeID() + ":" + ((eval)$$.stmt);

                                ((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.nodeIdAndStmt);

                                };
                                | INH_KW varlist
                                {
                                writer.print("\t c -> INH_KW
varlist \n") ;
                                $$=new eval();
                                ((eval)$$.stmt += "inH
"+((eval)$2).stmt;
                                (((eval)$$.cSourceCode += "int
"+((eval)$2).cSourceCode;
                                for(String alpha :
((eval)$2).variables){
                                ((eval)$$.cSourceCode
+= "int " + alpha + "; //type: high \n";
                                ((eval)$$.cSourceCode
+= "scanf(\"%d\\n\", &\" + alpha + \");\n";
                                }
                                writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

                                ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$2).variables);

                                boolean first = true;
                                for(String i : ((eval)$2).variables){
                                Variable currentVar =
new Variable(i);

```

```

                                for(Variable v :
symbolTableOfVariables){

                                if(v.name.equals(currentVar.name)){

                                v.type = "high";

                                currentVar.type = "high";
                                }

                                }

                                ((eval)$$.node = new
Node(nodeCounter++, currentVar.name);

                                ((eval)$$.node.setAssignedVariable(current
Var);

                                (((eval)$$.node.addToVariablesOfNode(currentVar);

                                if(first){
                                ((eval)$$.list
= new MyLinkedList(((eval)$$.node);
                                first = false;
                                }
                                else{

                                ((eval)$$.list.merge(new
MyLinkedList(((eval)$$.node));
                                }
                                }

                                ((eval)$$.nodeIdAndStmt += "#" +
((eval)$$.node.getNodeID() + ":" + ((eval)$$.stmt);

                                ((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.nodeIdAndStmt);

                                };
                                | OUTL_KW x
                                {
                                writer.print("\t c -> OUTL_KW x
\n") ;
                                $$=new eval();
                                ((eval)$$.stmt += "outL " +
((eval)$2).stmt;
                                ((eval)$$.cSourceCode +=
"printf(\"%d\\n\", "+((eval)$2).cSourceCode+");";

```

```

writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

((eval)$$.variables.add(((eval)$2).stmt);

        boolean check = false;
        for(Variable v :
symbolTableOfVariables){

            if(((eval)$2).stmt.equals(v.name) &&
v.type.equals("low")){

                ((eval)$$.node
= new Node(nodeCounter++, ((eval)$$.stmt);

                ((eval)$$.nodeIdAndStmt += "#" +
((eval)$$.node.getNodeID() + ":" + ((eval)$$.stmt;

                ((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.
).nodeIdAndStmt);

                for(String str :
((eval)$$.variables){

                    for(Variable varvar :
symbolTableOfVariables){

                        if(str.equals(varvar.name)){

                            ((eval)$$.node.addToVariablesOfNode(varv
ar);

                            break;

                        }

                    }

                }

                ((eval)$$.list
= new MyLinkedList(((eval)$$.node);

                check = true;
                break;

            }

        }

        if(!check){

```

```

System.err.println("undefined variable!");

        GUI.terminal.append("undefined
variable!\n\t"+((eval)$$.stmt, Color.orange);

        System.err.println("\t"+((eval)$$.stmt);
        //System.exit(0);
        return -1;

    }

};
| OUTH_KW x
{

    writer.print("\t c -> OUTH_KW x
\n") ;

    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += "outH " +
((eval)$2).stmt;

    ((eval)$$.cSourceCode +=
"printf(\"%d\\n\", "+((eval)$2).cSourceCode+"");
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.variables.add(((eval)$2).stmt);

    boolean check = false;
    for(Variable v :
symbolTableOfVariables){

        if(((eval)$2).stmt.equals(v.name) &&
v.type.equals("high")){

            ((eval)$$.node
= new Node(nodeCounter++, ((eval)$$.stmt);

            ((eval)$$.nodeIdAndStmt += "#" +
((eval)$$.node.getNodeID() + ":" + ((eval)$$.stmt;

            ((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.
).nodeIdAndStmt);

            for(String str :
((eval)$$.variables){

                for(Variable varvar :
symbolTableOfVariables){

                    if(str.equals(varvar.name)){

```

```

        ((eval)$$.node.addToVariablesOfNode(varv
ar);

        break;

    }

    }

    }

    ((eval)$$.list
= new MyLinkedList(((eval)$$.node);
    check = true;
    break;

    }

    }

    if(!check){

        System.err.println("undefined variable!");

        System.err.println("t"+((eval)$$.stmt);

        GUI.terminal.append("undefined
variable!\n\t"+((eval)$$.stmt, Color.orange);
        //System.exit(0);
        return -1;

    }

};
| OUTL_KW BOT_KW
{
    writer.print("\t c -> OUTL_KW
BOT_KW \n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += "outL BOT";
    ((eval)$$.cSourceCode +=
"printf(\"BOT\\n\");
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.node = new
Node(nodeCounter++, ((eval)$$.stmt);
    ((eval)$$.nodeIdAndStmt += "#"
+ ((eval)$$.node.getNodeID() + ":" + ((eval)$$.stmt;

    ((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.
).nodeIdAndStmt);

    ((eval)$$.list = new
MyLinkedList(((eval)$$.node);

};
| IF_KW exp THEN_KW M clist
ENDIF_KW %prec p
{
    writer.print("\t c -> IF_KW exp
THEN_KW M clist ENDIF_KW \n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += " if " +
((eval)$2).stmt + " then " + ((eval)$5).stmt + " endif";
    ((eval)$$.cSourceCode += " if ("
+ ((eval)$2).cSourceCode + ") { " +
((eval)$5).cSourceCode + "};");
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$2).variabl
es);

    //((eval)$$.variables.addAll(((eval)$5).varia
bles);

    ((eval)$$.node = new
Node(nodeCounter++, ((eval)$2).stmt);//condition
expression node
    ((eval)$$.nodeIdAndStmt += " if "
+ "#" + ((eval)$$.node.getNodeID() + ":" +

```

```

((eval)$2).stmt + " then \n" +
((eval)$5).nodeIdAndStmt + " endif";

((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.nodeIdAndStmt);

for(String str :
((eval)$$.variables){
    for(Variable v :
symbolTableOfVariables){

        if(str.equals(v.name)){

            ((eval)$$.node.addToVariablesOfNode(v);

            break;

        }

    }

}

((eval)$$.list = new
MyLinkedList(((eval)$$.node);

Node dummy = new
Node(nodeCounter++, "dummy");//dummy node for
last node of if

((eval)$$.list.getLast().setNextPointer2(dummy);//if false

dummy.addPreviousPointer(((eval)$$.list.ge
tLast()); //backward pointer

((eval)$$.list.merge(((eval)$5).list);//if true
((eval)$$.list.merge(new
MyLinkedList(dummy));
};
| IF_KW exp THEN_KW M clist ELSE_KW
N M clist ENDIF_KW
{
    writer.print("\t c -> IF_KW exp
THEN_KW M clist ELSE_KW N M clist ENDIF_KW
\n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += " if " +
((eval)$2).stmt + " then " + ((eval)$5).stmt + " else " +
((eval)$9).stmt + " endif ";

((eval)$$.cSourceCode += " if ("
+ ((eval)$2).cSourceCode + ") { " +
((eval)$5).cSourceCode + ";} else { " +
((eval)$9).cSourceCode + ";}";
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

((eval)$$.variables.addAll(((eval)$2).variabl
es);

//((eval)$$.variables.addAll(((eval)$5).varia
bles);

//((eval)$$.variables.addAll(((eval)$9).varia
bles);

((eval)$$.node = new
Node(nodeCounter++, ((eval)$2).stmt);//condition
expression node
((eval)$$.nodeIdAndStmt += " if "
+ "#" + ((eval)$$.node.getNodeID() + ":" +
((eval)$2).stmt + " then \n" +
((eval)$5).nodeIdAndStmt + " else \n" +
((eval)$9).nodeIdAndStmt + " endif ";

((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.nodeIdAndStmt);

for(String str :
((eval)$$.variables){
    for(Variable v :
symbolTableOfVariables){

        if(str.equals(v.name)){

            ((eval)$$.node.addToVariablesOfNode(v);

            break;

        }

    }

}

((eval)$$.list = new
MyLinkedList(((eval)$$.node);

Node dummy = new
Node(nodeCounter++, "dummy");//dummy node for
last node of if

```

```

MyLinkedList dummyList = new
MyLinkedList(dummy);

((eval)$$.list.getLast().setNextPointer2(((eval)$9).list.getFirst());//if false - else section

((eval)$9).list.getFirst().addPreviousPointer((eval)$$.list.getLast()); //backward pointer

((eval)$$.list.getNodeSet().addAll(((eval)$9).list.getNodeSet());

((eval)$9).list.merge(dummyList);

((eval)$$.list.merge(((eval)$5).list);//if true
((eval)$$.list.merge(dummyList);

};
| WHILE_KW exp DO_KW M clist
DONE_KW
{
    writer.print("\t c -> WHILE_KW
exp DO_KW M clist DONE_KW \n");
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += "while " +
((eval)$2).stmt + " do " + ((eval)$5).stmt + " done ";
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$2).variables);
    //
    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$5).variables);

    ((eval)$$.node = new
Node(nodeCounter++, ((eval)$2).stmt);//condition
expression node
    ((eval)$$.node.whileID =
whileID++;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
"~WhileID"+((eval)$$.node.whileID+"~while (" +
((eval)$2).cSourceCode + ") { " +
((eval)$5).cSourceCode +
";\n}"+"~ENDWhileID"+((eval)$$.node.whileID+"~
";

```

```

((eval)$$.nodeIdAndStmt +=
"while " + "#" + ((eval)$$.node.getNodeID() + ":" +
((eval)$2).stmt + " do \n" + ((eval)$5).nodeIdAndStmt
+ " done ";

((eval)$$.node.setNodeIdAndStmt(((eval)$$.nodeIdAndStmt);

for(String str :
((eval)$$.variables){
    for(Variable v :
symbolTableOfVariables){

        if(str.equals(v.name)){

            ((eval)$$.node.addToVariablesOfNode(v);

            break;
        }
    }
}

((eval)$$.list = new
MyLinkedList(((eval)$$.node);

Node dummy = new
Node(nodeCounter++, "dummy");//dummy node for
last node of if

MyLinkedList dummyList = new
MyLinkedList(dummy);

((eval)$$.list.getLast().setNextPointer2(dummy);//while condition false

dummy.addPreviousPointer(((eval)$$.list.getLast()); //backward pointer

((eval)$$.list.getNodeSet().add(dummy);

((eval)$$.list.merge(((eval)$5).list); //while
condition true (loop)

((eval)$5).list.getLast().setNextPointer1(((eval)$$.list.getFirst());

```

```

((eval)$$.list.getFirst().addPreviousPointer((
(eval)$5).list.getLast());

    ((eval)$$.list.setLast(dummy);

};

varlist : x
{
    writer.print("\t varlist -> x \n") ;
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode;
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

    Variable tempVar = new
Variable(((eval)$1).stmt);

    boolean flag = true;
    for(int i = 0; i <
symbolTableOfVariables.size(); i++){

        if(symbolTableOfVariables.get(i).name.equals(tempVar.name)){

            flag = false;
            break;

        }

        if(flag == true){

            symbolTableOfVariables.add(tempVar);

            ((eval)$$.variables.add(((eval)$1).stmt);
            }
            else{

                System.err.println("The
variable " + ((eval)$1).stmt + " is already declared!");

                GUI.terminal.append("The variable " +
((eval)$1).stmt + " is already declared!",
Color.orange);

                //System.exit(0);
                return -1;

            }

        };
        | x ',' varlist
        {
            writer.print("\t varlist -> x , varlist
\n") ;

            $$=new eval();
            ((eval)$$.stmt += ((eval)$1).stmt
+ " , " + ((eval)$3).stmt;
            ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$1).cSourceCode + " , " +
((eval)$3).cSourceCode;

            writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");

            Variable tempVar = new
Variable(((eval)$1).stmt);

            boolean flag = true;
            for(int i = 0; i <
symbolTableOfVariables.size(); i++){

                if(symbolTableOfVariables.get(i).name.equals(tempVar.name)){

                    flag = false;
                    break;

                }

                if(flag == true){

                    symbolTableOfVariables.add(tempVar);

                    ((eval)$$.variables.add(((eval)$1).stmt);

                    ((eval)$$.variables.addAll(((eval)$3).variables);
                    }
                    else{

                        System.err.println("The
variable " + ((eval)$1).stmt + " is already declared!");

                        GUI.terminal.append("The variable " +
((eval)$1).stmt + " is already declared!",
Color.orange);

                        b : BOOL_CONSTANT
                        {
                            writer.print("\t b ->
BOOL_CONSTANT \n") ;
                            $$=new eval();
                            ((eval)$$.stmt += this.stmt;

```



```

        ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$$.stmt;
        writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");
    };

n : INTEGER_NUMBER
{
    writer.print("\t n ->
INTEGER_NUMBER \n") ;
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += this.stmt;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$$.stmt;
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");
    };

x : IDENTIFIER
{
    writer.print("\t x -> IDENTIFIER
\n") ;
    $$=new eval();
    ((eval)$$.stmt += this.stmt;
    ((eval)$$.cSourceCode +=
((eval)$$.stmt;
    writer.print(((eval)$$.stmt+ "\n");
    };

M : //lambda
{

    };

N : //lambda
{

    };

%%

/***** eval
*****/
class eval {

    public String stmt="";
    public String nodeIdAndStmt="";

    public String cSourceCode = "";

```

PDGBuilder.java:

(کلاس تولیدکننده گراف وابستگی برنامه)

```

/*
 * To change this license header, choose License
 * Headers in Project Properties.
 * To change this template file, choose Tools |
 * Templates
 * and open the template in the editor.
 */
package wlrewriter;

import java.util.HashSet;
import java.util.Iterator;

import GraphViz.*;

/**
 *
 * Forward Dominance Tree and Control Dependence
 * Graph Builder Data Dependence
 * Graph and Program Dependence Graph Builder
 *
 * @param CFG
 *
 * @author Mohammad
 */
public class PDGBuilder {

    private MyLinkedList cfg, FDTTree, PDG; //FDTTree
    is equal to PostDomTree
    private HashSet<Node> FDTNodes;

    private String fileName;
    // private ArrayList<DataEdge> dataDeps; //data
    dependencies - by CFG nodes and we just save the
    relation between them for data dep graph

    public PDGBuilder(MyLinkedList cfg) {

        this.cfg = cfg;

        fileName =
        YYParse.getSourceCodeFileName().replace(".wl",
        "");

        this.cfg.getFirst().setNextPointer2(this.cfg.getLast());

```

//according to the article, it needs to connect START to STOP

```

//print the cfg for test
//    cfg.printNodeSet();
//computing post dominators
computePostDominators();

//print dominators
//    printPostDominators();
//draw the FDT (Post Dom Tree) - Find the
immediate post dominance
makePostDomTree();

//find the immediate post dom for each node - It
must be unique, but I did not take risk and get an array
for it
setImmediatePostDoms();

//print the immediate post dom for each node that
they are set in the field of each node
//    printImmediatePostDoms();
//compute PDF for each node that they will be
control dependences
computePDFs();

//print the PDFs for all nodes in FDTNodes
//    printPDFs();
//compute Control Dependencies from PDFs
computeControlDep();

//print the Control Dependencies
printControlDeps();

//compute the Data Dependencies from CFG
computeDataDep();

//print the Data Dependencies
printDataDeps();

//merge CDG and DDG together to make PDG
computePDG();

//print and show the PDG
printPDG();
}

```

```

private void computePostDominators() {

    for (Node n : cfg.getNodeSet()) {
        n.setPostDominators(cfg.getNodeSet());
//PostDom(n) = NodeSet
    }

    HashSet<Node> workList = new
HashSet<Node>();
    workList.add(cfg.getLast()); //WorkList =
{StopNode}

    while (!workList.isEmpty()) {

        Node y = workList.iterator().next();
        workList.remove(y); // Remove any node Y
from Worklist

        // New = {y} + intersect PostDom(x): x is in
succ(y)
        HashSet<Node> New = new HashSet<>();
        New.add(y);

        if (y.succ().iterator().hasNext()) {
            HashSet<Node> intersect = new
HashSet<>(y.succ().iterator().next().getPostDominators());

            for (Node x : y.succ()) {
                intersect.retainAll(x.getPostDominators());
            }
            New.addAll(intersect);
        }

        if (!New.equals(y.getPostDominators())) {
            y.setPostDominators(New); //PostDom(y) =
New

            workList.addAll(y.pred()); // for (each z in
pred(y)) worklist += {z}

        }

    }

    // you can find post dominators for each node in
getPostDominators() method

}

private void printPostDominators() {
    System.out.println("**** print Post Dominators
****");
    for (Node i : cfg.getNodeSet()) {
        System.out.print("Post-Dom(" + i.getNodeID()
+ "): ");
        for (Node alpha : i.getPostDominators()) {
            System.out.print(alpha.getNodeID() + ", ");
        }
        System.out.println("");
    }
}

private void makePostDomTree() {
    FDTNodes = new HashSet<>();

    //copy nodes from CFG to FDTNodes
    for (Node p : cfg.getNodeSet()) {
        Node n = new Node(p.getNodeID(),
p.getStatement());
        HashSet<Node> tempPostDom = new
HashSet<>(p.getPostDominators());
        n.setPostDominators(tempPostDom);

        //eliminate the node from post-dominators to
search its pred
        n.getPostDominators().remove(p);

        FDTNodes.add(n);
    }

    HashSet<MyLinkedList> listOffDTNodes = new
HashSet<>();

    for (Iterator<Node> it = FDTNodes.iterator();
it.hasNext();) {
        Node temp = it.next();

        listOffDTNodes.add(new
MyLinkedList(temp));
    }

    FDTTree = new MyLinkedList(null);
    for (Iterator<MyLinkedList> it =
listOffDTNodes.iterator(); it.hasNext();) {

```

```

MyLinkedList temp = it.next();
Node tempNode = temp.getFirst();

if (tempNode.getStatement().equals("STOP"))
{
    FDTree.setFirst(tempNode);
}
else {
    if
(tempNode.getStatement().equals("START")) {
        FDTree.setLast(tempNode);
    }
    for (Iterator<Node> it2 =
cfg.getNodeSet().iterator(); it2.hasNext();) {
        Node temp2 = it2.next();
        if
(tempNode.getPostDominators().equals(temp2.getPost
Dominators())) {
            for (Iterator<MyLinkedList> it3 =
listOfFDTNodes.iterator(); it3.hasNext();) {
                MyLinkedList temp3 = it3.next();
                Node tempNode3 = temp3.getFirst();
                if (tempNode3.getNodeID() ==
temp2.getNodeID()) {
                    mergeLists(temp3, temp);
                }
            }
        }
    }
}

// System.out.println("Post-Dom Tree is created");
}

```

```

private void mergeLists(MyLinkedList first,
MyLinkedList second) {

first.getFirst().addNextPointersForPostDomTree(secon
d.getFirst());

second.getFirst().addPreviousPointer(first.getFirst());
}

```

```

private void setImmediatePostDoms() {
    for (Node n : FDTNodes) {
        for (Node i : n.getPostDominators()) {
            boolean flag = true;

```

```

        for (Node j : n.getPostDominators()) {
            if (!j.equals(i)) {
                if (j.getPostDominators().contains(i)) {
                    flag = false;
                    break;
                }
            }
        }
        if (flag == true) {
            if (n.getImmediatePostDominator() !=
null) {
                System.err.println("Immediate Post
Dom for this node is not unique!!");
            }
            n.setImmediatePostDominator(i);

            for (Node k : cfg.getNodeSet()) {
                if (k.getNodeID() == n.getNodeID()) {
                    k.setImmediatePostDominator(i);
                    break;
                }
            }
        }
    }
}

```

```

private void printImmediatePostDoms() {
    System.out.println("**** print Immediate Post
Dominators ****");
    for (Node n : FDTNodes) {

```

```

        System.out.println("Immediate Post Dom for
Node " + n.getNodeID() + " --> " + n.getStatement() +
":");

```

```

        if (!n.getStatement().equals("STOP")) {
            //because of being null for STOP node
            Node q = n.getImmediatePostDominator();
            System.out.println("\t" + q.getNodeID() + " -
-> " + q.getStatement());
        }
        else {
            System.out.println("\t");
        }
    }
}

```

```

    }
}

private void computePDFs() {
    for (Node n : FDTNodes) {
        if
(n.getNextPointersForPostDomTree().isEmpty()) {
//the node is leaf of PostDomTree
        HashSet<Node> worklist = new
HashSet<>();
        worklist.add(n);

        while (!worklist.isEmpty()) {
            Node x = worklist.iterator().next();
            worklist.remove(x);

            worklist.addAll(x.pred()); //traverse
bottom-up the postDomTree

            HashSet<Node> currentPDF = new
HashSet<>(); //PDF for node x
            ///local///
            for (Node xInCFG : cfg.getNodeSet()) {
                if (xInCFG.getNodeID() ==
x.getNodeID()) { // Node xInCFG is x in CFG - we
need pred() in CFG
                    if (!xInCFG.pred().isEmpty()) {
                        for (Node y : xInCFG.pred()) {
                            if
(y.getImmediatePostDominator() != null) {
                                if
(y.getImmediatePostDominator().getNodeID() !=
xInCFG.getNodeID()) {
                                    currentPDF.add(y);
                                }
                            }
                        }
                    }
                    else {
                        currentPDF.add(y);
                    }
                }
            }
            break;
        }
    }

    ///up///
    for (Node z : FDTNodes) {
        if (z.getImmediatePostDominator() !=
null) {
            if
(z.getImmediatePostDominator().getNodeID() ==
x.getNodeID()) {
                for (Node y : z.getPDF()) {
                    if
(y.getImmediatePostDominator() != null) {
                        if
(y.getImmediatePostDominator().getNodeID() !=
x.getNodeID()) {
                            currentPDF.add(y);
                        }
                    }
                }
            }
        }
    }
    x.setPDF(currentPDF);
}

private void printPDFs() {
    System.out.println("**** print FDTs ****");
    for (Node n : FDTNodes) {
        System.out.println("PDF(" + n.getNodeID() +
": " + n.getStatement() + ") = {");

        for (Node q : n.getPDF()) {
            System.out.println("\t" + q.getNodeID() + ":
" + q.getStatement() + ", ");
        }
        System.out.println("}");
    }
}

private void computeControlDep() {
    for (Node y : FDTNodes) {
        for (Node x : FDTNodes) {

```

```

        for (Iterator<Node> it =
y.getPDF().iterator(); it.hasNext();) {
            Node w = it.next();
            if (w.getNodeID() == x.getNodeID()) {
                // mitavanad tekrari bashe [dar sorati ke
be khodes nabayad vabastegi dashte bashe, in ja ye if
mizarim : if(y.getNodeId()!=x.getNodeId())
                x.getControlDep().add(y);
                y.getParentOfControlDep().add(x);
            }
        }
    }
}

private void printControlDeps() {
    String CDgraph = "";
//
System.out.println("\n*****\nprint
Control Dependencies ");
    for (Node n : FDTNodes) {
//        System.out.print("Node -->" + n.getNodeID()
+ ":" + n.getStatement() + " = {");

        for (Node q : n.getContolDep()) {
//            System.out.print(q.getNodeID() + ":" +
q.getStatement() + " | ");
            for (Node u : cfg.getNodeSet()) {
                if (u.getNodeID() == q.getNodeID()) {
                    if (u.getVariablesOfNode().size() > 0) {
                        for (Variable v :
u.getVariablesOfNode()) {
                            if (v.type.equals("high")) {
                                CDgraph += "\" + \"#\" +
q.getNodeID() + \" \" + q.getStatement() + \"\" + \";\n\";
                            }
                        }
                    }
                }
                if (u.getAssignedVariable() != null) {
                    if
(u.getAssignedVariable().type.equals("high")) {
                        CDgraph += "\" + \"#\" +
q.getNodeID() + \" \" + q.getStatement() + \"\" + \";\n\";
                    }
                }
            }
            CDgraph += "\" + \"#\" + n.getNodeID() + \"
\" + n.getStatement() + \"\" + \"->\" + \"\" + \"#\" +
q.getNodeID() + \" \" + q.getStatement() + \"\" + \";\n\";

```

```

//control dep edges: solid // for data dep
edges: " [style=dashed];\n";
        }
//        System.out.println("");
    }
//        System.out.println("*****\n");

    GraphDrawer gd = new GraphDrawer();
    gd.draw(fileName + "_CDG.", CDgraph);

    System.out.println("Control Dependence Graph is
ready.");
    GUI.terminal.append("Control Dependence Graph
is ready.");
}

private void computeDataDep() {

    for (Node n : cfg.getNodeSet()) {
        if (n.getAssignedVariable() != null) {

            HashSet<Node> dataDepLimit = new
HashSet<>();
            for (Node zed : cfg.getNodeSet()) {
                zed.isVisited = false;
                if (zed.getAssignedVariable() != null) {
                    if
(zed.getAssignedVariable().name.equals(n.getAssigned
Variable().name) && zed.getNodeID() !=
n.getNodeID()) {
                        dataDepLimit.add(zed);
                    }
                }
            }

            HashSet<Node> worklist = new
HashSet<>();
            worklist.add(n);

            while (!worklist.isEmpty()) {
                Node node = worklist.iterator().next();
                worklist.remove(node);
                node.isVisited = true;

                boolean isLimit = false;

                for (Node h : dataDepLimit) {

```

```
private void printDataDeps() {
    String DDgraph = "";

    for (Node n : cfg.getNodeSet()) {
        for (Node q : n.getDataDepsForThisNode()) {
```

```

nodeInPDG.getContolDep().add(temp2);
    }
}

for (Node temp3 : cfg.getNodeSet()) {
    for (Node tempq :
nodeInFDT.getParentOfControlDep()) {
        if (temp3.getNodeID() ==
tempq.getNodeID()) {

tempq.setNextPointer1(temp3.getNextPointer1());

tempq.setNextPointer2(temp3.getNextPointer2());
        }
    }
}

nodeInPDG.setParentOfControlDep(nodeInFDT.getPa
rentOfControlDep());

for (Node temp :
nodeInFDT.getDataDepsForThisNode()) {
    for (Node temp2 : PDG.getNodeSet()) {
        if (temp.getNodeID() ==
temp2.getNodeID()) {

nodeInPDG.getDataDepsForThisNode().add(temp2);
        }
    }
}

nodeInPDG.setParentsOfDataDep(nodeInFDT.getPare
ntsOfDataDep());

    break;
}
}
}

private void printPDG() {
    String PDgraph = "";

for (Node n : PDG.getNodeSet()) {
    //Control Deps
    for (Node w : n.getContolDep()) {
        PDgraph += "\"\" + \"#\" + n.getNodeID() + \"
\" + n.getStatement() + \"\" + \"->\" + \"\" + \"#\" +
w.getNodeID() + \" \" + w.getStatement() + \"\" +
\";\n\";
    }
    //Data Deps
    for (Node q : n.getDataDepsForThisNode()) {
        PDgraph += "\"\" + \"#\" + n.getNodeID() + \"
\" + n.getStatement() + \"\" + \"->\" + \"\" + \"#\" +
q.getNodeID() + \" \" + q.getStatement() + \"\" + \"
[style=dashed];\n\";
    }
}

GraphDrawer gd = new GraphDrawer();
gd.draw(fileName + \"_PDG.\", PDgraph);

System.out.println(\"Program Dependence Graph
is ready.\");
GUI.terminal.append(\"Program Dependence
Graph is ready.\");
}

public MyLinkedList getPDG() {
    return PDG;
}
}

```




**Amirkabir University of Technology
(Tehran Polytechnic)**

Computer and Information Technology Engineering Department

B.Sc. Thesis

Title

**Design and Implementation of a Tool for
Rewriting-Based Enforcement of Noninterference
in Programs**

By

Seyed Mohammad Mehdi Ahmadpanah

Supervisor

Dr. Mehran S. Fallah

September 2015